



پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک، و ارزشیابی نسل چهارم: چشم‌انداز کاربرد در گردشگری

امیرحسین ایمانی‌زاده^۱، محمدرضا رضوانی^۲

DOI:10.22034/jtd.2024.422647.2846

چکیده

در این مقاله پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک-دیالکتیک و ارزشیابی نسل چهارم توضیح داده می‌شود. همچنین، چشم‌انداز کاربرد این رویکرد انتقادی و مشارکتی در ارزشیابی پدیده گردشگری، که دارای ذی‌ربطان متعدد و متنوع است، بررسی خواهد شد. نوع مقاله پژوهشی مروری-روایتی است که جنبه آموزشی و تلخیصی قدرتمندی دارد، به‌ویژه برای معرفی و تشریح مفاهیمی که پیش از این پژوهش‌های چندانی درباره آن‌ها صورت نگرفته مناسب است. در این مقاله، نخست پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی و زیربنای فلسفی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن تشریح می‌شود؛ سپس پرسش‌گری و انواع آن، ارزشیابی و انواع آن از حیث زمان و هدف، سه نسل ابتدایی ارزشیابی و ارزشیابی نسل چهارم به‌اجمال معرفی خواهد شد. تقسیم‌بندی ارزشیابی به شش نوع متمایز پیشنهاد نویسندگان این مقاله است. در ادامه، مسئولیت‌های ارزشیاب در این روش آورده شده است. همچنین، برای سنجش کیفیت پرسش‌گری برساخت‌گرایانه، دو نوع معیار ارائه شده و درنهایت، پس از نقد مدل ارزشیابی نسل چهارم، به چشم‌انداز کاربرد پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی و ارزشیابی نسل چهارم در مطالعات گردشگری پرداخته می‌شود. رویکرد برساخت‌گرایانه به ارزشیابی گردشگری، نسبت به رویکردهای پیشین، دارای مزایای متعددی است و قابلیت بهبود کیفیت و اثربخشی ارزشیابی گردشگری را دارد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

واژه‌های کلیدی:

پارادایم، برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک-دیالکتیک، ارزشیابی نسل چهارم، گردشگری

مقدمه

جهان، توسعه گردشگری به‌عنوان یکی از ابزارها و ابعاد مهم توسعه ملی و جهانی حائز اهمیت روزافزونی شده است. در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری ایران نیز، طی دهه‌های گذشته، انواع برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌های توسعه گردشگری در سطوح ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی تهیه و کم‌وبیش اجرا شده است. بخش گردشگری همواره در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور از ابتدا تا کنون - قانون برنامه هفتم توسعه - مطرح نظر بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). طی این مدت، برنامه‌ها و طرح‌های ملی توسعه گردشگری، طرح‌های جامع توسعه گردشگری استان‌ها

علم اهداف و کارکردهای گوناگونی دارد: مقوله‌بندی، توصیف، تبیین، ارزشیابی، مقایسه، تشخیص همبستگی و احیاناً روابط علی-معلولی، پیش‌بینی و کنترل. بر همین اساس، ارزشیابی یکی از طرح‌های پرسش‌گری/تحقیق معروف توصیفی است که مشخصاً برای پرداختن به مسائل پیچیده اجتماعی و درک و معناسازی از عناصر متنوع انسانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زمینه‌ای، و تعاملات میان آن‌ها، طراحی می‌شود (Walliman, 2022, pp. 8-12). در سده اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در

۱. دانشجوی دکتری گردشگری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول: rezvani@ut.ac.ir



و انواع پروژه‌های مطالعاتی و اجرایی گردشگری در سطح محلی اجرا شده‌اند. نکته آنکه، توفیق برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار و جامع گردشگری بدون ارزشیابی برنامه‌ها و طرح‌ها و پروژه‌ها ناممکن است. ارزشیابی به‌منزله یکی از ابزارهای کنترل و هدایت در افزایش کارایی نظام مدیریت منابع و تسریع در فرایند توسعه گردشگری از اهمیت بسزایی برخوردار است.

پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک و ارزشیابی نسل چهارم مجموعاً رویکردی انتقادی و مشارکتی برای ارزشیابی گردشگری ارائه می‌دهند که با خصوصیات پیچیده این صنعت، که مشتمل بر ذی‌ربطان^۱ و ابعاد پرشمار و متنوع است، به‌خوبی تناسب دارد. این رویکرد نسبت به رویکرد رایج پوزیتیویستی امتیازات مؤثری دارد. بسیاری از پیشگامان علوم انسانی و اجتماعی از جمله امیل دورکیم (1965) پیشنهاد کرده‌اند دانشمندان این حوزه‌ها نیز تا حد امکان به روش دانشمندان علوم طبیعی، به‌ویژه فیزیک، یعنی پوزیتیویسم/ اثبات‌گرایی تأسی جویند، باشد که بدین طریق زمینه‌های پرسش‌گری‌شان هرچه بیشتر علمی شود یا، به بیان دقیق‌تر، به‌عنوان علم به رسمیت شناخته شود. اما، در طول دهه‌ها، کمبودهای پوزیتیویسم در مطالعه پدیده‌های انسانی مشخص شد؛ از این‌رو، پارادایم‌هایی جایگزین و مؤثرتری برای این هدف پیشنهاد شده است.

پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی دارای رویکردی انتقادی و برخوردار از هستی‌شناسی نسبی‌گرا، معرفت‌شناسی ذهنی یگانه‌باور^۲، و روش‌شناسی کیفی و آمیخته است، حال آنکه پارادایم اثبات‌گرایی دارای هستی‌شناسی رئالیست، معرفت‌شناسی عینی دوگانه‌باور^۳، و روش‌شناسی عمدتاً کمی است. طبیعی است این پارادایم متفاوت مستلزم و موجد روش‌شناسی و روش‌های متفاوت و خاص خود از جمله روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک است. چنانکه از نامش پیداست، این روش‌شناسی مبتنی بر آموزه‌های علم هرمنوتیک/ تأویل است و در اینجا منظور از دیالکتیک معنای هگلی آن است.

از پارادایم برساخت‌گرایی، به‌عنوان سنگ زیربنای

۱. ذی‌ربطان هم‌ارز stakeholders به کار رفته است. معادل مشهور ذی‌نفعان هم‌ارز ناقصی است. بنگرید به قسمت «پرورش سازه‌های ذهنی و هم‌فهمی میان هر سه گروه از ذی‌ربطان: قربانیان، ذی‌نفعان، عاملان.»

2. monistic subjectivist

3. dualist objectivist

فهم، و روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک، به‌عنوان یکی از ابزارهای رسیدن مؤثرتر به واقعیت‌های اجتماعی، می‌توان در زمینه‌ها و اهداف گوناگون از جمله در زمینه گردشگری و برای ارزشیابی بهره برد. تاکنون چهار نسل ارزشیابی پا به‌منصه ظهور گذاشته‌اند که هر یک سعی در رفع محدودیت‌های نسل پیشین داشته است. سه نسل پیشین ارزشیابی مبتنی بر پیش‌فرض‌های پوزیتیویسم و بنابراین متأثر از کمبودهای این پارادایم است. ارزشیابی نسل چهارم تا به امروز پیشروترین سبک ارزشیابی است که می‌تواند در زمینه‌ها/ بافتارهای^۴ مختلف، از جمله در گردشگری ایران، به کار گرفته شود. در نسل چهارم، ارزشیابی مبتنی بر پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی است. در این شکل از پرسش‌گری، با تمرکز بر یک ارزشیابی شونده، می‌کوشیم تا سازه‌های پیشرفته‌تر و آگاهانه‌تری در مورد آن ارزشیابی شونده پرورش یابد.

با توجه به رواج کمتر پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی و روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک در فضای دانشگاهی فارسی‌زبان، و همچنین بداعت ارزشیابی نسل چهارم، هدف از نگارش این مقاله ارائه توضیحی منسجم و ناقدانه، و منبعی قابل اتکا در حیطه این مباحث و فتح باب پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی، روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک، و نسل چهارم ارزشیابی در مطالعات گردشگری است.

پژوهش از نوع مروری روایتی/ راویانه^۵ است که جنبه آموزشی و تلخیصی قدرتمندی دارد؛ به‌ویژه برای معرفی و تشریح مفاهیمی که پیش از این پژوهش‌های چندانی درباره آن‌ها صورت نگرفته مناسب است (Sohrabi, 2013; Abdekhodaie & Tiyuri, 2019) و طی آن ترکیبی کیفی به دست می‌آید (Greatham, 2021). از معیارهای انتخاب منابع، ارتباط منطقی میان آن‌ها از ابتدای شکل‌گیری پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی تا توسعه ارزشیابی نسل چهارم بوده است؛ مثلاً چون ارزشیابی نسل چهارم را گیوبا و لینکلن ارائه داده‌اند، در توضیح برساخت‌گرایی نیز بیشتر به آرای این دو فرد توجه کرده‌ایم. همچنین، در این مقاله، ضمن تحلیل و ترکیب مطالب، به روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک و ارزشیابی نسل چهارم نگاهی ناقدانه صورت گرفته است و صرفاً توصیف‌گر نبوده‌ایم (Barczak, 2017).

4. استفاده شده است context از واژگان زمینه و بافتار به‌عنوان هم‌ارز.

5. construct

6. narrative/narrated review



یا علمی^۲) مطرح شد. واضعان ارزشیابی نسل چهارم خود از مبلغان پارادایم برساخت‌گرایی/طبیعی‌باورانه (Lincoln & Guba, 1985) و از منتقدان اثبات‌گرایی نیز هستند؛ ازاین‌رو، مدل ارزشیابی نسل چهارم آن‌ها بر مبنای رویکرد برساخت‌گرایانه‌شان ساخته شده و کاملاً بین این دو هماهنگی و انسجام است. در نتیجه، برای توضیح این مدل بیشتر بر آرای خود گیوبا و لینکلن در عرصه فلسفه علم تمرکز می‌کنیم.

نباید پنداشت برساخت‌گرایی، که امروزه از رقیبان پوزیتیویسم (Guba & Lincoln, 1989, pp. 83-) و مکمل آن به شمار می‌رود، پارادایمی نوپدید است. گرچه مخصوصاً در جهان انگلیسی‌زبان این پارادایم کمتر مورد توجه بوده، قدمت برساخت‌گرایی به چند سده می‌رسد. اختلاف این دو پارادایم در زیرساخت‌های فلسفی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن‌ها و در نتیجه روش‌شناسی‌ای است که توصیه می‌کنند. البته برساخت‌گرایی تنها پارادایم غیر متعارف، به معنایی متفاوت با پوزیتیویسم یا شکل اصلاح‌شده آن موسوم به پساپوزیتیویسم/پوزیتیویسم متأخر^۳ یا نوپوزیتیویسم^۴، نیست؛ پارادایم‌های پراگماتیسم، تحول‌آفرین^۵، انتقادی، و مشارکتی نیز امروزه مطرح‌اند (Creswell & Creswell, 2018; Gretzel et al., 2020; Lincoln et al., 2018)، که چون خارج از گستره این نوشتارند به آن‌ها نمی‌پردازیم.

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی برساخت‌گرایی اجتماعی

هستی‌شناسی/وجودشناسی^۶ و معرفت‌شناسی^۷ از قدیم‌ترین شاخه‌های فلسفه‌اند (Guba & Lincoln, 1989). هستی‌شناسی در ماهیت واقعیت بحث می‌کند و معرفت‌شناسی در ارتباط میان آن‌کس که می‌داند (داننده) با آنچه دانسته می‌شود (دانسته‌شونده) و محدودیت‌های انسان در دانستن (تمرکز بر خود فهم و درک). بر مبنای این دو، روش‌شناسی معطوف است به راه عملی رسیدن به دانش. جدول ۱ خلاصه‌ای از مقایسه دو نظام باوری پوزیتیویسم و برساخت‌گرایی اجتماعی است.

2. scientific
3. postpositivism
4. neopositivism
5. transformative
6. ontology
7. epistemology

برای درک عمیق ارزشیابی نسل چهارم، نخست با پارادایم/جهان‌بینی برساخت‌گرایی اجتماعی و زیربنای فلسفی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی آن آشنا می‌شویم. سپس، پرسش‌گری و انواع آن، ارزشیابی و انواع آن از حیث زمان و هدف، سه نسل ابتدایی ارزشیابی و ارزشیابی نسل چهارم به‌اجمال معرفی می‌شود. تقسیم‌بندی ارزشیابی به شش نوع متمایز ابداع نویسندگان این مقاله با گسترش چهار نوع پیشنهادی گیوبا و لینکلن است. مبنای ارزشیابی نسل چهارم، چرخه هرمنوتیک-دیالکتیک است؛ ازاین‌رو، این روش‌شناسی، مسئولیت‌های ارزشیاب در این چرخه، و مراحل آن به تفصیل توضیح داده می‌شود. دو دسته معیار برای سنجش پرسش‌گری برساخت‌گرایانه نیز ارائه می‌شود و در نهایت، پس از معرفی استفاده‌هایی که تاکنون از پارادایم برساخت‌گرایی و ارزشیابی نسل چهارم در مطالعات گردشگری شده است، مدل ارزشیابی نسل چهارم نقد شده و نتیجه‌گیری شده است.

پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی

پارادایم عبارت است از مجموعه باورهای بنیادین درباره پرسش‌گری مطلوب و روش صحیح رسیدن به پاسخ‌ها. پارادایم‌ها در هر زمان از تاریخ معرفت‌مقبولیت همگانی دارند و پژوهشگران در چارچوب آن‌ها مسائل را تعریف می‌کنند و به دنبال راهکار می‌گردند (Kuhn, 1970, 2012). معمولاً در هر زمینه مطالعاتی پارادایمی غالب وجود دارد، به‌ویژه در علوم طبیعی و فیزیک. این پارادایم برنامه عمل رایج و قواعد فعالیت معمول پژوهشگران را تعیین می‌کند (Crotty, 1998, p. 35).

درواقع هر پارادایم در اساس خود حاوی تعدادی از ارزش‌های تجویزی است که به پرسش‌گر کمک می‌کنند در پرسش‌گری راه را از بیراهه تشخیص دهد و درست قدم بردارد (Sheykhrezaee & Bikaraan- Behesht, 2020). پارادایم سازمان فکری منسجمی است که سعی می‌کنیم از طریق آن جهان را برای خود قابل درک سازیم.

پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی^۱ (موسوم به نسبی‌گرا، طبیعی‌باور، هرمنوتیک، و تفسیری) در برابر پارادایم متعارف (موسوم به پوزیتیویسم/اثبات‌گرایی

1. social constructivism

جدول ۱: مفروضات متباین هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی پارادایم متعارف / اثبات‌گرا و پارادایم برساخت‌گرا (Guba & Lincoln, 1989, p. 84)

باورهای متعارف / اثبات‌گرایانه	باورهای برساخت‌گرایانه
<p>هستی‌شناسی</p> <p>هستی‌شناسی رئالیست: فقط یک واقعیت مستقل از توجه مشاهده‌کننده وجود دارد که طبق قوانین تغییرناپذیر طبیعی عمل می‌کند. بسیاری از این قوانین واجد نسبت علت و معلول هستند. حقیقت یعنی مجموعه گزاره‌های یکسان با واقعیت.</p>	<p>هستی‌شناسی</p> <p>هستی‌شناسی نسبی‌گرا: واقعیت‌های متعددی وجود دارند که به‌نحو اجتماعی ساخته می‌شوند و تحت هیچ‌گونه قانون طبیعی علی و غیره نیستند. "حقیقت" یعنی آگاهانه‌ترین (از حیث مقدار و کیفیت اطلاعات) و پیشرفته‌ترین (از حیث قدرت درک و کاربست اطلاعات) سازه‌ای که بر آن اجماع^۱ شکل گرفته است. (البته شاید چندین سازه موجود باشد که این معیار را برآورده کند).</p>
<p>معرفت‌شناسی</p> <p>معرفت‌شناسی عینی دوگانه‌باور: ممکن (و در واقع، واجب) است که مشاهده‌گر پدیده تحت مطالعه را بیرون از خود بداند، فاصله خود را با آن حفظ کند، و به آن تعلق خاطر نداشته باشد. این وضعیت را "دوگانگی سوژه-اُبژه" می‌نامند. مشاهده‌گر نباید بگذارد ملاحظات ارزشی اش هیچ‌گونه تأثیری داشته باشد.</p>	<p>معرفت‌شناسی</p> <p>معرفت‌شناسی ذهنی یگانه‌باور: پرسش‌گر و پرسش‌شونده چنان در یکدیگر آمیخته می‌شوند که یافته‌های هر مشاهده به معنای واقعی کلمه مخلوق فرایند پرسش‌گری است. توجه شود که این موضع در عمل تمایز کلاسیک میان هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی را از میان بر می‌دارد.</p>
<p>روش‌شناسی</p> <p>روش‌شناسی مداخله‌گر: از تأثیرات آلاینده بافتار (متغیرهای مخدوش‌کننده) جلوگیری می‌شود تا پرسش‌گری بتواند به حقیقت نزدیک شود و طبیعت را چنان که هست و واقعاً عمل می‌کند تبیین کند، و در نتیجه امکان پیش‌بینی و کنترل به دست آید.</p>	<p>روش‌شناسی</p> <p>روش‌شناسی هرمنوتیک: مشمول است بر دیالکتیک دائم میان مراحل تکرار، تحلیل، نقد، تکرار مجدد، تحلیل مجدد، نقد مجدد و... و در نتیجه پدیدار شدن سازه‌ای مشترک درباره یک مورد (در بین همه پرسش‌گران و پاسخ‌دهندگان، یا در بین دیدگاه‌های بیرونی^۲ و درونی^۳)</p>



با بی‌بندوباری فکری و رفتاری، و دادن وزن یکسان به انواع مدعیات (Boghossian, 2023) نیست. درست است که طبق ارزشیابی برساخت‌گرایانه، در عوالم انسانی واقعیت یگانه‌ای در اساس وجود ندارد که کسی بخواهد به آن نائل شود و بعد با غرور از آن صحبت کند و افراد با نظرهای متفاوت را به دیده تحقیر بنگرد، ولی این روش از افراد می‌خواهد همیشه در جست‌وجوی چالش‌هایی باشند که سازه‌های حتی مستحکم و معروف را زیر سؤال می‌برد و همیشه آماده باشند باورهای فعلی خود را با توجه به سازه‌های دیگری که طبق بررسی و قضاوت ذی‌صلاح‌ترین افراد منطقی‌تر و مناسب‌تر است بیالایند، تغییر دهند یا حتی رد کنند (Guba & Lincoln, 1989, p. 47). باورها ممکن است منطقی/موجه و صادق باشند یا

در برساخت‌گرایی اجتماعی، با یک حقیقت مطلق مطابق با واقعیت قابل کشف روبه‌رو نیستیم بلکه با واقعیت‌هایی سروکار داریم که طی تعاملات اجتماعی برساخته می‌شوند (Berger & Luckmann, 1967) و سازه‌های حاصل از آن‌ها همیشه امکان بهره‌مندی از اطلاعات و پیشرفتگی بیشتر را دارند. سازه عبارت است از «فکر یا مفهوم پیچیده‌ای که از ترکیب افکار ساده‌تر شکل می‌گیرد» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۸)؛ به‌نوعی، سازه را عدل تصدیق/قضاوت/داوری^۱ به کار برده‌اند^۲ (Guba & Lincoln, 2001, p. 1). باید دقت کرد که نسبی‌گرایی و پرهیز از موضع‌گیری‌های مطلق درباره "یک" واقعیت برابر

1. judgment

۲. بنگرید به مبحث «تصور و تصدیق» در خوانساری (۱۴۰۱، ص ۷-۱۰).



خود برساخت‌گرایی اجتماعی را به دو شاخهٔ برساخت‌گرایی نرم و سخت تقسیم کرده‌اند: برساخت‌گرایی سخت^۴ یا اکثری معتقد است که تمام معرفت بشری برساخته‌های اجتماعی هستند، حال آنکه برساخت‌گرایی نرم^۵ یا اقلی معتقد است که گرچه معرفت دربارهٔ مسائل اجتماعی برساخته است، معرفت در باب امور غیرانسانی و طبیعی می‌تواند عینی باشد (Sheikheh et al., 2019). برساخت‌گرایی سخت محل انتقاداتی بجا بوده است (مثلاً بنگرید به Boghossian, 2006). آنچه در این مقاله مطرح نظر است برساخت‌گرایی اجتماعی نرم است.

پرسش‌گری

پرسش‌گری^۶ عبارت است از تلاش معناسازانه آگاهانه، نظام‌مند^۷، و ضابطه‌مند برای پرورش سازه‌ای آگاهانه‌تر و پیشرفته‌تر از آنچه اکنون دربارهٔ موضوع فهم موجود است. آگاهانه‌تر یعنی شامل بر معانی بیشتر و احتمالاً متفاوت، و پیشرفته‌تر یعنی پیچیده‌تر، در سطح بالاتر و/یا در مقیاس بزرگ‌تر. سازه‌ای که از خلال پرسش‌گری پرورش می‌یابد ممکن است ابداعی سراسر تازه باشد یا گسترشی از سازه‌ای موجود (Lincoln & Guba, 2013, p. 62). منظور از ضابطه‌مند^۸ در این تعریف این است که هم مواد ورودی به استدلال‌ها و هم فرایندهای منطقی بازآرایی و تلخیصی که برای رسیدن به نتایج معتبر از این مواد به کار رفته را می‌توان در معرض بررسی و راستی‌آزمایی عمومی قرار داد (Cronbach and Suppes as cited in Guba & Lincoln, 1989, pp. 44, 228). این واژه یادآور مفاهیم استواری^۹ و تکرارپذیری^{۱۰} روش علمی است.

معناسازی

منظور از درک یا معناسازی «فراگرد گفتمانی برساخت و تفسیر جهان اجتماعی» است (گفارت، به نقل از عارف و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۵۱۲). به تعریفی دیگر، معناسازی عبارت است از شکل‌گیری دائمی تصاویری معقول^{۱۱} در ذهن فرد که اعمال او را توجیه می‌کند (Weick, 2008). معناسازی در مطالعات

4. strong
5. weak
6. inquiry
7. systematic
8. disciplined
9. rigor
10. replicability
11. plausible images

غیر منطقی/ ناموجه و کاذب (Boghossian, 2006). عدم پذیرش مطلق‌گرایی به معنای سقوط در هرج‌ومرج، و اتخاذ نسبی‌گرایی به معنای واگذاری قدرت نقد ایده‌ها و سازه‌ها نیست؛ همهٔ ایده‌ها را می‌توان طبق چارچوب‌های مختلف به نقد کشید. نسبی‌گرایی فقط حکایت از این دارد که چارچوب نقد ایده‌ها نسبی است و ممکن است با توجه به هر بافتار و موقعیت^۱ تغییر کند (Guba & Lincoln, 1989, p. 256).

شایان ذکر است که استفاده از پارادایم پوزیتیویسم در مطالعات اجتماعی مورد انتقادات فراوان قرار گرفت و همین امر باعث شد پیروان آن سعی کنند با اصلاحاتی این پارادایم را برای پرسش‌گری‌های مربوط به انسان^۲ متناسب کنند. این کوشش‌ها به ظهور پوزیتیویسم متأخر منجر شد. طبق رویکرد پوزیتیویسم متأخر، هدف از انجام پژوهش‌های اجتماعی توصیف، تبیین، پیش‌بینی و مداخله در پدیده‌های اجتماعی است. در این پارادایم نیز، عمدتاً محققان با روش‌های کمی در صدد کشف قوانین علمی و پرورش معرفت درخصوص واقعیت مستقل از ذهن^۳ است (Shan, 2022). باورهای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی پوزیتیویسم متأخر در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پارادایم

پوزیتیویسم / اثبات‌گرایی متأخر (Shan, 2022)

پوزیتیویسم متأخر	هستی‌شناسی	معرفت‌شناسی
واقعیتی یگانه و مستقل از ذهن وجود دارد، اما نمی‌توان تمام آن را فهم کرد.	واقعیتی یگانه و مستقل از ذهن وجود دارد، اما نمی‌توان تمام آن را فهم کرد. مستقل از یکدیگرند.	پژوهش‌های علوم اجتماعی تا حد زیادی عینی هستند؛ پژوهشگر و موضوع پژوهش مستقل از یکدیگرند.
زبان نگارش مطالب علمی نیز تحت تأثیر پارادایم‌ها است. درحالی‌که در پوزیتیویسم سعی می‌شود برای القای هرچه بیشتر بی‌طرفی از افعال مجهول استفاده شود، برساخت‌گرایی اجتماعی رویکردی صمیمی‌تر و طبیعی‌تر در کلام را شایسته می‌داند که در آن از افعال معلوم بیشتر استفاده می‌شود؛ حتی نویسندگان ابایی از به کار بردن ضمائر "من" و "ما" ندارند.		

1. situation
2. human inquiry
3. mind-independent reality



فرایند معناسازی و درک سازمان‌های دخیل در مدیریت بحران (هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو، ۱۳۹۶، ص ۱۶) دانست.

سه نوع پرسش‌گری: پژوهش، ارزشیابی، و تحلیل خط‌مشی

در پرسش‌گری طبیعی باورانه/ برساخت‌گرایانه، پرسش‌گری به سه شاخه مجزا تقسیم شده است: پژوهش، ارزشیابی، و تحلیل خط‌مشی^۱. در جدول ۳، تمرکز و هدف هریک از این سه نوع پرسش‌گری، که راهنمای کل کنش پرسش‌گرانه است، نوشته شده است (Lincoln & Guba, 1985, pp. 217-218, 226-227; 2013, pp. 61-62).

سازمان و مدیریت به‌ویژه از این جهت مطرح است که طی آن ذی‌ربطان (مثلاً کارکنان و مدیران) باید به درکی مشترک از امور برسند (Clegg et al., 2016, pp. 33-49). فروپاشی فرایند معناسازی در سازمان مخصوصاً در اوضاع غیرعادی حتی ممکن است به مرگ اعضای سازمان منجر شود (Weick, 1996); اتفاقی که مثلاً در مورد امدادرسنان به برج‌های دوقلوی نیویورک در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (Clegg et al., 2016, p. 49) و چتربازان آتش‌نشانی که در سال ۱۹۴۹ برای خاموش کردن آتش در جنگل‌های ایالت مونتانا ایالت متحده اعزام شده بودند (Weick, 1993) رخ داد. شاید بتوان حادثه ساختمان پلاسکو را نیز نمونه‌ای بومی از اختلال در

جدول ۳: تمرکز و هدف سه نوع پرسش‌گری: پژوهش، تحلیل خط‌مشی و ارزشیابی

نوع پرسش‌گری	تمرکز	هدف
پژوهش/تحقیق ^۴	مسئله	حل مسئله از طریق گسترش، بازبینی یا بازسازی یک سازه دانشی موجود یا پیشنهادی و پرورش سازه‌های جدید و مرتبط
تحلیل خط‌مشی ^۵	خط‌مشی‌های بدیل ^۶	گسترش، تغییر اهداف، تدوین مجدد یا کنار گذاشتن یک خط‌مشی موجود یا پیشنهادی
ارزشیابی	ارزشیابی‌شونده ^۷ (مثلاً یک برنامه درسی، طرح گردشگری، فرایند، سازمان، یا فرد)	پرورش سازه‌های شایندگی درونی و/ یا شایندگی محیطی

در این مقاله، تمرکز نویسندگان بر ارزشیابی است.

تعریف ارزشیابی

و با توجه به معیارهایی صورت می‌پذیرد به محض اینکه صحبت از معیارها می‌شود، پای ارزش‌ها نیز به این فرایند باز می‌گردد (بنگرید به فصل ۱ و Guba & Lincoln, 1989). در تعریف ارزشیابی به‌مثابه نوعی از پرسش‌گری برساخت‌گرایانه که در بالا بیان شد، تأکید بر پرورش سازه‌های ذهنی ذی‌ربطان درخصوص ارزشیابی‌شونده است.

انواع ارزشیابی با توجه به هدف و سطح

تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از انواع ارزشیابی ارائه شده است. با تحلیل و ترکیب این تقسیم‌بندی‌ها، شش نوع ارزشیابی را بر مبنای سطح و هدف ارزشیابی پیشنهاد می‌دهیم (جدول ۴).

ارزشیابی نوعی طرح تحقیق توصیفی است که مشخصاً برای پرداختن به مسائل پیچیده اجتماعی و درک و معناسازی از عناصر متنوع انسانی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زمینه‌ای، و تعاملات میان آن‌ها، طراحی می‌شود (Walliman, 2022, p. 12). به‌طور مختصر، ارزشیابی^۲ یعنی قضاوت درباره کیفیت ارزشیابی‌شونده (=موضوع ارزشیابی) (Walliman, 2022, p. 246). تعریفی مبسوط از ارزشیابی: روالی کاربردی، نظام‌مند و تحلیلی که طی آن شواهد تجربی گردآوری و ترکیب می‌شوند تا با توجه به استانداردهایی از پیش تعیین‌شده تأثیر، کارایی، تناسب و کیفیت یک مداخله (مثلاً خط‌مشی، پروژه، طرح) سنجیده شود (Bohn, 2022). هر ارزشیابی بر مبنای شواهد

1. policy analysis

2. evaluation

جدول ۴: شش نوع ارزشیابی با توجه به سطح و زمان ارزشیابی

شایندگی محیطی ^۹	شایندگی درونی ^۸	سطح ارزشیابی هدف از ارزشیابی
تدوینی - شایندگی محیطی	تدوینی - شایندگی درونی	تدوینی ^{۱۰}
تکوینی - شایندگی محیطی	تکوینی - شایندگی درونی	تکوینی ^{۱۱}
تجمیعی - شایندگی محیطی	تجمیعی - شایندگی درونی	تجمیعی ^{۱۲}

منطقه، ابتدا طرح در چند نقطه محدود به صورت پایلوت اجرا می‌شود تا تناسب و عوارض و پیامدهای مثبت آن بررسی شود و مبنایی گردد برای تصمیم‌گیری درباره اجرای طرح در سایر نقاط. مهم است در ابتدای ارزشیابی و انعقاد قرارداد به نوع ارزشیابی تصریح شود تا انتظارات طرفین از نتیجه ارزشیابی شفاف باشد.

سه نسل نخست ارزشیابی

سه نسل ابتدایی ارزشیابی عبارت‌اند از: سنجش، توصیف/هدف‌زنی^۵ و قضاوت. شایان ذکر است که گیوبا و لینکلن در معرفی نسل‌های ارزشیابی از بافتار تعلم و تربیت استفاده کرده‌اند و مثال‌های ایشان نیز در همان زمینه است.

نسل نخست ارزشیابی بیشتر به دنبال سنجش تحقق اهداف از پیش تعیین شده بود؛ مثلاً در بافتار آموزش و پرورش، هدف این بود که معلوم شود دانش‌آموزان به چه میزان به مطالب درسی تسلط پیدا کرده‌اند. این نسل در پارادایم پوزیتیویسم قرار داشت. دانش‌آموز باید در امتحانی که بیشتر قدرت حافظه را می‌سنجید نشان می‌داد "امور واقع" را که صدقشان معلوم است به خاطر سپرده است و هنگام آزمون می‌تواند طوطی‌وار تکرار کند. این نسل موجب شکوفایی رشته آزمون‌سازی شد. نگاه به مدارس در این دوره مشابه نگاه به کارخانه‌هایی بود که باید محصولات باکیفیتی تولید کنند و به دانشگاه تحویل دهند. انتظار از ارزشیاب در این دوره ایفای نقش یک فن‌ورز^۷ (متخصص سنجش، آزمون‌سازی و آمار) بود. ارزشیاب باید با تمام ابزارهای موجود سنجش آشنا می‌بود و برحسب نیاز می‌توانست ابزارهای نوین و مناسبی را طراحی کند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 22-26, 259).

هدف از ارزشیابی ممکن است تدوینی، تکوینی، یا تجمیعی باشد. غرض از ارزشیابی تکوینی پیدا کردن راه‌های احتمالی برای اصلاح ارزشیابی شونده از حیث داشتن خصائص مطلوب است. ارزشیابی تکوینی یا توسعه‌ای^۱ (Edgell et al., 2008, pp. 67-68) امکان اصلاح در حین انجام کار را فراهم می‌کند. غرض از ارزشیابی تجمیعی کمک به تصمیم‌گیری درباره ادامه، اتمام، یا ویرایش مداخله است (Bohn, 2022, p. 134). یا ویرایش مداخله است (Bohn, 2022, p. 134). گیوبا و لینکلن بین دو نوع ارزشیابی تدوینی و تکوینی تمیز قائل نشده‌اند و کارکرد هر دو را ذیل ارزشیابی تکوینی تعریف کرده‌اند. ارزشیابی دارای ماهیت و مراحل دایره‌وار از نظر زمانی است: (۱) ارزشیابی تدوینی، پیشینی^۲، (۲) ارزشیابی تکوینی، هم‌زمان^۳، و (۳) ارزشیابی تجمیعی، پسینی^۴ (Bohn, 2022).

از نظر سطح ارزشیابی، میان شایندگی درونی و شایندگی محیطی یک ارزشیابی شونده (Guba & Lincoln, 1981) تفاوت است. هر ارزشیابی شونده دارای خصائصی است که می‌توان درباره آن‌ها به نحو عمومی و یک‌بار برای همیشه قضاوت کرد؛ مثلاً می‌توان یک برنامه درسی پیشنهادی را از حیث انسجام درونی، اشتغال بر مفاهیم مدرن، و ترتیب مناسب مطالب ارزشیابی کرد و میزان شایندگی درونی آن را تعیین نمود. ولی بدون اجرای این برنامه درسی در موقعیت و بافتاری مشخص نمی‌توان شایندگی محیطی آن را تعیین کرد؛ یعنی بدون آزمون عملی معلوم نیست این برنامه درسی پیشنهادی در موقعیت مذکور به چه میزان تناسب و کارایی دارد (Guba & Lincoln, 1989, p. 61). نمونه‌ای از ارزشیابی تدوینی-شایندگی محیطی: پیش از اجرای گسترده طرح توسعه گردشگری در یک

1. development

2. ex ante

3. interim

4. ex poste

5. objectives generation (Guba and Lincoln, 1989, p. 48)

6. facts

7. technician



نسل اول ارزشیابی در آموزش گردشگری کاربرد فراوان دارد. اساس آزمون‌های سطوح پیش از دانشگاه و بعد آزمون‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، که سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌کند، همگی بیشتر براساس آزمون میزان محفوظات افراد است.

پس از جنگ جهانی اول، نیاز به ارزشیابی نسل دوم که مبتنی بر توصیف یا هدف‌زنی بود در نظام آموزشی ایالات متحده آمریکا نمایان شد. نیازها و آرزوهای دانش‌آموزان تغییر کرده بود و اکثریت به دنبال یادگیری مهارت‌هایی بودند که به آن‌ها کمک کند به سطح اجتماعی و اقتصادی مطلوب‌تری نسبت به والدین خود برسند. به‌ناچار برنامه‌های درسی پاسخ‌گوی این خواسته‌ها شدند و دانش‌آموز براساس آنچه معلمانش می‌خواستند او یاد بگیرد ارزشیابی می‌شد. نام این خروجی‌های آموزشی مطلوب را اهداف گذاشتند. در همین دوران بود که ارزشیابی برنامه‌درسی^۱ متولد شد، چراکه یک کارکرد به انجام مطالعات ارزشیابی اضافه شده بود: پالایش برنامه‌درسی در دست تهیه برای اطمینان از کارایی آن؛ فرایند اجرا و ارزشیابی تا رسیدن به این اطمینان تکرار می‌شد. ریشه‌پیدایش ارزشیابی تکوینی نیز همین جا است. نقش ارزشیاب در ارزشیابی نسل دوم، ضمن حفظ نقش قبلی به توصیف‌گر توسعه یافت: توصیف قوت و ضعف برنامه‌ها با توجه به اهداف از پیش تعیین‌شده (Guba & Lincoln, 1989, pp. 27-28). در بافتار گردشگری، می‌توان نسل دوم از ارزشیابی را سازگار با مقایسه برنامه‌های توسعه گردشگری با اهداف مطرح‌شده از اجرای آن‌ها، و اعمال اصلاحات لازم اشاره کرد. از جمله این نسل از مدل‌های ارزشیابی که به اهداف توجه بیشتری دارند، ارزشیابی پیامدگرا (Sharifzadeh et al., 2012; Motaghd & Asadi, 2018) است.

سبقت اتحاد جماهیر شوروی از ایالات متحده آمریکا در اکتشافات فضایی، با پرتاب ماهواره اسپوتنیک، موجب پیدایش نسل سوم ارزشیابی شد. در این مرحله، ارزشیاب ضمن حفظ نقش‌های فن‌ورز و توصیف‌گر نقش داور/قضاوت‌گر را نیز عهده‌دار شد. اکنون، خود اهداف نیز، علاوه بر عملکرد ارزشیابی‌شونده، مورد سؤال و در معرض قضاوت قرار گرفت. قضاوت مستلزم استانداردهایی است که عملکرد ارزشیابی‌شونده براساس آن داور شود؛ اما وارد کردن استانداردها، که ناگزیر ارزش‌بار^۲ هستند، امری مخالف روح پوزیتیویسم

و عمل ارزشیابی که تا آن زمان رها از ارزش‌ها^۳ پنداشته می‌شد بود. ارزشیاب‌ها ابتدا در برابر این انتظار جدید مقاومت کردند، چراکه از تبعات سیاسی آن می‌هراسیدند؛ اما در نهایت، به‌عنوان بی‌طرف‌ترین داور ممکن، مسئولیت انجام این ارزش‌دوری‌ها را نیز پذیرفتند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 29-31). در بافتار گردشگری، اگر افراد پیش از هر چیز یا در طول مسیر به سراغ قضاوت درباره خود اهداف طرح‌ها و برنامه‌ها نیز بروند، قدم در نسل سوم ارزشیابی نهاده‌اند.

انتقادات متعددی به سه نسل نخست ارزشیابی شده است (Guba & Lincoln, 1989, pp. 31-38) و لسی می‌توان مدیریت‌زدگی، فقدان تکثر ارزشی و تعهد بیش از حد به پارادایم پوزیتیویسم را ایرادهای اصلی آن‌ها است (Guba & Lincoln, 2001).

نسل چهارم ارزشیابی

با توجه به نقاط ضعف سه نسل نخست، ارزشیابی نسل چهارم موسوم به پذیرا^۴-برساخت‌گرایانه^۵ (Guba & Lincoln, 1989)، برساخت‌گرایانه (Walliman, 2022, p.) و پذیرا (Guba & Lincoln, 2001) مطرح شد که مبتنی بر پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی است.

در ارزشیابی نسل چهارم، نقش‌هایی که ارزشیاب در نسل‌های قبلی ایفا می‌کرد حفظ شده و گسترش یافته است. ارزشیاب، ضمن حفظ نقش فن‌ورز، خود تبدیل به ابزار پرسش‌گری و تحلیل‌گر داده‌های انسانی می‌شود؛ نه فقط توصیف‌گر، که نقش شارح و مورخ را ایفا می‌کند و به ارائه «توصیف پرمایه» (Geertz, 1973; Ponterotto, 2006; Ryle, 1968) می‌پردازد که علاوه بر توصیف رفتار مشاهده‌شده، مشتمل بر بافتار وقوع رفتار است؛ و به‌جای داور قائم به خود، نقش تسهیل‌کننده برای رسیدن به قضاوت مشترک و جمعی را به عهده می‌گیرد (Guba & Lincoln, 1989, p. 264). به‌علاوه، در ارزشیابی برساخت‌گرایانه، چهار نقش جدید به ارزشیاب محول می‌شود: (۱) به‌جای کنترل‌گر، تبدیل به همکاری می‌شود که نهایت تلاش خود را برای مشارکت همه ذی‌ربطان می‌کند؛ (۲) به‌جای بازرس، تبدیل به یادگیرنده و یاددهنده‌ای می‌شود که می‌کوشد تمام ذی‌ربطان از سازه‌های

3. value-free

4. responsive

5. constructivist

6. thick description

1. program evaluation

2. value-laden



و پرورش سازه‌ها، به اجماع برسند. اصولاً هرگاه فرد با اطلاعاتی جدید مواجه می‌شود یا تبحرش در تفسیر اطلاعات افزایش می‌یابد، سازه‌های موجود در ذهن او به چالش کشیده می‌شوند و به نحوی از انحا (Guba & Lincoln, 1989, pp. 145-149) تغییر می‌یابند.

ذی‌ربطان^۱ به سه گروه تقسیم می‌شوند: (۱) قربانیان^۲ که ممکن است به واسطه ارزشیابی شونده چیزهایی از دست بدهند و زیان ببینند؛ (۲) ذی‌نفعان/ سودبران^۳ که ممکن است به واسطه ارزشیابی شونده چیزهایی به دست آورند و منفععی کسب کنند؛ (۳) عاملان که درگیر تولید، استفاده یا اجرای ارزشیابی شونده هستند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 201-202).

به جای واژه "اجماع" می‌توان از "اتفاق‌نظر"، "هم‌سازی" یا با توجه به ریشه‌شناسی واژه مبدأ^۴ از "هم‌فهمی" نیز استفاده کرد. فرهنگ‌های آشنا با دموکراسی به‌خوبی با مفهوم اهمیت رأی اکثریت آشنا هستند، که البته پیشرفتی شگرف نسبت به خودکامگی یا اندک‌سالاری است، ولی پیروی از رأی اکثریت ممکن است به ظلم اکثریت بر اقلیت تبدیل شود. اما وقتی هدف اجماع باشد، دیگر سازه‌های ذهنی همگان، حتی آن‌ها که در اقلیت مطلق‌اند، مورد توجه یکسان قرار می‌گیرد؛ هرچند اجماع نیز ممکن است ایرادات خود را داشته باشد، از جمله به اقلیت امکان کارشکنی و جلوگیری از تصمیم‌گیری برای اقدام بدهد. به‌هرحال، در ارزشیابی نسل چهارم، رفتار با حسن نیت ضروری است. گفته شده که پیش‌تر در جوامع مادرسالار گرایش به اجماع از طریق مصالحه وجود داشته است (Fuchs, 2022, p. 65). تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع از روش‌های بدیل تصمیم‌گیری است (Hartnett, 2011).

چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک

در اینجا چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک، که از بنیان‌های ارزشیابی نسل چهارم است، توضیح داده می‌شود. برای نیل به اجماع بر سر آگاهانه‌ترین و پیشرفته‌ترین سازه ممکن در زمان و مکانی خاصی و با مشارکت پاسخ‌دهندگانی خاص، باید از چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک استفاده کرد.

منظور از دیالکتیک^۵ در این چرخه همان است که مراد هگل بود (Guba & Lincoln, 1989, p. 149):

1. stakeholders
2. victims
3. beneficiaries
4. consensus

ادیب سلطانی "دیالکتیک" را به "دوی‌چم‌گونیک" برگردانده است که گرچه از نظر (ریشه‌شناختی صحیح است، مفهوم نیست (بنگرید به کانت، 1399/1781).

ذهنی یکدیگر به‌خوبی آگاه شوند؛ (۳) به جای "کشف واقعیت"، به واقعیت (ها) از رهگذر فرایند ارزشیابی شکل می‌دهد؛ (۴) به جای مشاهده‌گری منفعل، خود تبدیل به عامل تغییر می‌شود (Guba & Lincoln, 1989, pp. 259-262).

ارزشیابی نسل چهارم پذیرا است (یعنی در جستجوی مدعیات، دغدغه‌ها و مسائل ذی‌ربطان است). در سه نسل اول ارزشیابی، سفارش‌دهندگان، مدیران و ارزشیابان از پیش تعیین می‌کنند که چه اطلاعاتی باید جمع شود؛ ولی در نسل چهارم، اینکه برای ارزشیابی چه اطلاعاتی باید احصا شود منوط است به مدعیات، دغدغه‌ها و مسائل ذی‌ربطان. در اینجا، ادعا یعنی فرض مثبتی که ذی‌ربط درباره ارزشیابی شونده دارد؛ دغدغه یعنی فرض منفی‌ای که ذی‌ربط درباره آن دارد؛ مسئله یعنی موردی که افراد منطقی ممکن است درباره اش اختلاف‌نظر داشته باشند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 39-40). هر ذی‌ربط حامل مدعیات، دغدغه‌ها و مسائل خود است. این وظیفه ارزشیاب است که با جستجوی دقیق این موارد را بیابد و مطمئن شود که به آن‌ها طی ارزشیابی رسیدگی می‌شود.

ارزشیابی برساخت‌گرایانه یا نسل چهارم آخرین نسل معتبر و مورد استناد ارزشیابی است. نوشتاری داوری‌نشده و بدون ناشر و تاریخ معین با عنوان ارزشیابی نسل پنجم نیز در اینترنت هست (Lund, n.d) که محتوای آن نیز در چارچوب پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی است و نمی‌توان عنوان ادعایی را پذیرفت. در اجتماع معرفتی (Antoniades, 2003; Haas, 2021) ایران، به نظر می‌رسد بیشتر ارزشیابی‌ها در چارچوب نسل نخست (اندازه‌گیری) و نسل دوم (مقایسه با اهداف) صورت گرفته است، و نسل سوم (قضاوت درباره اهداف برنامه) و نسل چهارم (مشارکت حداکثری ذی‌ربطان) مغفول بوده‌اند؛ مثلاً در یک فراتحلیل صورت‌گرفته بر مبنای مقالات مرتبط به یازده طرح هادی روستایی مشخص شد که نه مورد از آن‌ها (تقریباً ۸۲ درصد) در چارچوب دو نسل اول ارزشیابی قرار دارند (Rokneddin Eftekhari et al., 2018).

پرورش سازه‌های ذهنی و هم‌فهمی میان هر سه گروه از ذی‌ربطان: قربانیان، ذی‌نفعان، عاملان

از اهداف اصلی ارزشیابی برساخت‌گرایانه این است که ذی‌ربطان ذی‌صلاحیت، از خلال تضارب آرا



Hegel, 1991)؛ بدین توضیح که در مواجهه با هر اندیشه یا تز/ برنهاده یک اندیشه مخالف یا آنتی‌تز/ برابرنهاده مطرح می‌شود و از خلال تعامل این دو یک ترکیب یا سنتز/ هم‌نهاده به دست می‌آید که از تز و آنتی‌تز سازنده خود برتر است، چراکه دارای بهترین نکات هر دو فکر پیشین است. سه‌گانه تز-آنتی‌تز-سنتز مدام تکرار می‌شود و بدین طریق روح یا عقل جهانی در طول تاریخ پیشرفت می‌کنند (Gaarder, 2008, pp. 420-432). هگل، علاوه‌بر اندیشه بشر، تاریخ و طبیعت را نیز جنبه‌هایی از همین روح یا ذهن^۱ می‌داند که مدام با استعانت از فرایند دیالکتیک به پیش می‌رود و به خودآگاهی بیشتر می‌رسد (Brown, 2014, pp. 130-131).

هرمنوتیک یا تأویلی صفتی است که به علم هرمنوتیک^۲ - علم تأویل و تفسیر متن و فهم معنای مورد نظر ماتن - اشاره دارد (Grondin, 2022; Mojtahed-e Shabestari, 2016). واضعان ارزشیابی برساخت‌گرایانه مشخص نکرده‌اند که به کدام نحله هرمنوتیک بیشتر گرایش دارند (مثلاً: Gadamer, 1975; Heidegger, 2008)، اما در کتاب پرسش‌گری طبیعی‌باورانه، که زیربنای ارزشیابی نسل چهارم نیز هست، در زمینه هرمنوتیک به آرای یورگن هابرماس توجه داشته‌اند (Lincoln & Guba, 1985, pp. 29-30). می‌توان هرمنوتیک - دیالکتیک را به صورت دیالکتیکی تأویلی نیز گفت، ولی در این نوشتار از همان شکل نخست استفاده خواهیم کرد. این واژگان به همین شکل در فارسی جا افتاده‌اند و هر دو صفت به یک میزان به روش‌شناسی و چرخه موردنظر معنا می‌دهند؛ شاید به همین علت است که این دو را به صورت هرمنوتیک/ دیالکتیک هم نوشته‌اند (Lincoln & Guba, 2013).

روش اجرای چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک

ابتدا با پاسخ‌دهنده^۱ مصاحبه باز انجام می‌دهیم و در آن سعی می‌کنیم مدعیات، دغدغه‌ها و مسائلی را که در ذهن فرد درخصوص ارزشیابی شونده هست استخراج کنیم. پس از اتمام مصاحبه، بلافاصله اقدام به تحلیل آن می‌کنیم. در مورد تمام پاسخ‌دهندگان می‌توانیم نتایج تحلیل مصاحبه را با مصاحبه‌شونده در میان بگذاریم تا از صحت فهم منظور او مطمئن شویم. همچنین، در حین مذاکره بهتر است برداشتی که از

سازه‌های ذهنی پاسخ‌دهنده داریم و یادداشت‌هایی که برمی‌داریم را با او در میان بگذاریم و از صحت تفسیر خود از آنچه پاسخ‌دهنده سعی در بیانش داشته مطمئن شویم (Guba & Lincoln, 1989, pp. 239-240).

برای انتخاب پاسخ‌دهنده دوم از خود پاسخ‌دهنده اول می‌خواهیم فردی را معرفی کند که نظرش با او از همه متفاوت‌تر است. سپس در مورد پاسخ‌دهنده دوم نیز فرایند قبلی را تکرار می‌کنیم، علاوه‌بر اینکه نتایج تحلیل مصاحبه اول را با پاسخ‌دهنده دوم مطرح می‌کنیم و می‌خواهیم درباره آن فکر و صحبت شود. همچنین، به تمام پاسخ‌دهندگان می‌توان با استفاده از مستندات و مراجع مختلف، از جمله سازه‌های ذهنی خود ارزشیابی، اطلاعاتی ارائه داد تا سازه‌های ذهنی خود گسترش یابد؛ البته نباید اطلاعات را به گونه‌ای ارائه کرد که جسارت فرد در اندیشیدن را بگیرد؛ مثلاً، به جای اینکه بگوییم «در مقالات علمی بیان شده است که...» یا «برخی از دانشمندان/ صاحب‌نظران/ متخصصان معتقدند که...»، باید از جمله‌بندی خنثی تری استفاده کنیم که تأکیدی بر مرجعیت گوینده ندارد، مثلاً بگوییم «برخی معتقدند که...» یا «گفته شده است که...».

برای انتخاب پاسخ‌دهنده سوم نیز از خود پاسخ‌دهنده دوم می‌خواهیم فردی را معرفی کند که نظرش با او از همه متفاوت‌تر است؛ و فرایند را تکرار می‌کنیم. پس از مصاحبه با چندین نفر از گروه ذی‌ربطان، کم‌کم به مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل مشترکی می‌رسیم: وضعیت اشباع نظری^۳. از این لحظه به بعد، برای انتخاب پاسخ‌دهنده‌های بعدی، در جست‌وجوی افرادی هستیم که بتوانند این موارد را به شیواترین و کامل‌ترین نحو بیان کنند. اگر فرض کنیم که در پایان مصاحبه با پاسخ‌دهنده هشتم به این مرحله می‌رسیم از او و پاسخ‌دهندگان بعدی می‌پرسیم که به نظرشان چه کسی می‌تواند درباره مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل مطرح‌شده به‌خوبی و بیشتر توضیح دهد. با ادامه مصاحبه با این قبیل ذی‌ربطان بلیغ، درنهایت به جایی می‌رسیم که فکر می‌کنیم گستره متنوعی از مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل استخراج و به‌خوبی و با دقت تبیین شده است.

اکنون باید یک بار دیگر چرخه دیالکتیک - هرمنوتیک را تکرار کنیم، چراکه نتیجه به‌دست آمده به احتمال زیاد تفاوت معنی‌داری با سازه‌های ذهنی نخستین پاسخ‌دهنده‌ها دارد و این فرصت باید در اختیار آن‌ها

1. به آلمانی: Geist

2. hermeneutics

3. theoretical saturation



هرمنوتیک - دیالکتیک، سازه‌های توصیفی متنوعی که نزد پاسخ‌دهندگان هر یک از حلقه‌ها موجود است، بدون آنکه قضاوت شوند، استخراج می‌شود. این اقدام آغازگر بخش هرمنوتیک کل فرایند است. سپس سازه‌های مستخرج در اختیار سایر پاسخ‌دهندگان همان حلقه گذاشته می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود علت پذیرش سازه‌ای دیگر یا حفظ سازه اولیه خود را ذکر کنند. این اقدام آغازگر بخش مواجهه و دیالکتیک کل فرایند است. پس از چند دور تکرار، احتمالاً در داخل هر حلقه از زیربطان سازه‌های مشترک شروع به پدید آمدن می‌کنند، اما رسیدن به اجماع کامل محتمل نیست (Lincoln & Guba, 2013, p. 66).

جذب / درون‌انطباق

درون‌انطباق عبارت است از تلاش ارزشیاب برای جذب و ادغام اکتشافات جدید در سازه یا سازه‌های موجود (یا اگر اکتشاف جدید به اندازه کافی با سازه یا سازه‌های موجود متفاوت است، جایگزین موارد موجود شدن) تا سازه "جدید" (آگاهانه‌تر، پیشرفته‌تر) با معانی قدیمی‌تر و جدی‌تر تناسب بهتری داشته باشد و آن‌ها را در بر بگیرد، کارا باشد (وقایع را تبیین کند)، رابطه‌مندی نشان دهد (امکان حل، تسکین یا تعریف بهتر مشکلات مرکزی را فراهم کند)، و قابل اصلاح باشد (خودش پذیرای تغییر باشد) (Guba & Lincoln, 2001). درون‌انطباق در روان‌شناسی مفهومی شناخته شده است و به «فرایند انضمام اطلاعات در ساختارهای از پیش موجود شناختی» اطلاق می‌شود (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۸).

در هر حلقه از زیربطان، باید درباره سازه‌هایی اجماعی یا نسبتاً اجماعی که در سایر حلقه‌های از زیربطان به دست آمده صحبت شود. با تکرار چرخه سعی می‌کنیم بین سازه حلقه مورد نظر و سایر حلقه‌ها به اجماع برسیم. البته ممکن است به علت تعارضات ارزشی امکان رسیدن به هم‌فهمی نباشد. در این صورت، ذکر ارزش‌های زیرینی که به عدم اجماع منجر می‌شود نیز مفید خواهد بود. همچنین، سازه‌هایی دیگر و احیاناً متضاد با ادبیات تحقیق، تجارب ارزشیاب و هر منبع ارزشمند دیگری برای بررسی در اختیار حلقه‌های زیربطان قرار می‌گیرد. در نهایت، مذاکره بین نمایندگان گروه‌های زیربط با هدف مقایسه و اصلاح سازه‌های متعارض نقشی کلیدی خواهد داشت. حتی اگر هم‌فهمی حاصل شود، همین که سازه‌های هر گروه بهتر مشخص و فهمیده می‌شود و محل اختلاف بهتر

گذاشته شود تا نقدشان را بیان کنند. برای چرخه دوم، هم می‌توان از همان پاسخ‌دهندگان به همان ترتیب استفاده کرد و هم می‌توان تکنیک ماریچی را به کار برد، یعنی به جای هر پاسخ‌دهنده با فرد دیگری با ویژگی‌های مشابه مصاحبه کرد تا تعداد شرکت‌کنندگان در عمل دو برابر شود؛ یعنی به جای اینکه مثلاً با دوازده مصاحبه‌شونده نخست دوباره مصاحبه شود، با دوازده نفر مشابه مصاحبه شود؛ بدین ترتیب، در مجموع از گروه زیربط مدنظر با بیست و چهار نفر از آن گروه زیربط مصاحبه می‌شود.

پس از تهیه گزارش درباره هر یک از گروه زیربطان، این چرخه را برای گروهی منتخب از همه زیربطان تکرار می‌کنیم. نماینده هر گروه زیربط باید مورد وثوق آن گروه باشد. پیش از آغاز به اخذ مصاحبه‌ها توصیه می‌شود از هر گروه درباره گزارش مکتوب نظرخواهی کنیم تا مطمئن شویم سازه‌های ذهنی آن‌ها به درستی ثبت شده است و اطلاعاتی از قلم نیفتاده یا اشتباه درج نشده است. این واریسی‌ها موجب تأمین معیار باورپذیری می‌شوند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 239-240). سپس، فرایند مذاکره با استفاده از چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک آغاز می‌شود و در نهایت گزارش ارزشیابی، که مشتمل بر سازه‌های اجماعی مشترک است، نگاشته می‌شود و در اختیار تمام گروه‌های زیربط قرار می‌گیرد. سازه‌های مشترک^۱ موجود در گزارش برآمده از سازه‌های درونی^۲ افراد زیربط و سازه‌های بیرونی^۳ ارزشیابان است و از همگی آن‌ها آگاهانه‌تر و پیشرفته‌تر است (Guba & Lincoln, 1989, pp. 138-139).

دو مرحله اصلی ارزشیابی نسل چهارم

کل چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک که بیان شد را می‌توان در دو مرحله اصلی قرار داد: اکتشاف^۴ و جذب/درون‌انطباق^۵.

اکتشاف

اکتشاف عبارت است از تلاش ارزشیاب برای توصیف "آنچه در اینجا در جریان است". واژه "اینجا" دلالت بر ارزشیابی‌شونده و بافتار آن دارد (Guba & Lincoln, 2001). در این مرحله، با آغاز چرخه

1. joint
2. emic constructions
3. etic constructions
4. discovery
5. assimilation



معین می‌گردد ارزشمند است. در کل فرایند، نقش توصیف‌گر ارزشیاب محوری است چراکه، به‌عنوان انسانی که نقش ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها را ایفا می‌کند، فقط اوست که می‌تواند با سازه‌های ذهنی دیگران ارتباط نسبتاً مستقیم برقرار سازد و مذاکره نهایی را تسهیل و رهبری کند (Lincoln & Guba, 2013, pp. 66-68). مسئولیت‌های ارزشیاب بر ساخت‌گرا به تفکیک و تفصیل در زیر آورده شده است.

مسئولیت‌های ارزشیاب بر ساخت‌گرا

نُه مسئولیت زیر بر عهده ارزشیابان بر ساخت‌گرا است (Guba & Lincoln, 1989, pp. 72-74; 2001):

۱. شناسایی همه ذی‌بطانانی که به‌واسطه ارزشیابی در مخاطره قرار می‌گیرند: پیش از آغاز فرایند هرمنوتیک- دیالکتیک، حداکثر تعداد ممکن از این ذی‌بطانان را باید شناسایی کرد، اما باید راه را برای ورود ذی‌بطان جدید، در هر زمانی که ارزشیاب از وجودشان مطلع می‌شود، باز گذاشت.

۲. استخراج سازه‌های هر یک از گروه‌های ذی‌ربط درباره ارزشیابی‌شونده و مدعیات و دغدغه‌ها و مسائلی که این ذی‌بطان مایل‌اند درباره ارزشیابی‌شونده مطرح شود. این استخراج باید با طرح سؤالات باز باشد تا اطمینان یابیم که دیدگاه‌های درونی پدیدار می‌شوند، نه دیدگاه‌های بیرونی.

۳. فراهم کردن زمینه و روش‌شناسی (هرمنوتیک/ دیالکتیک) که طی آن سازه‌های متفاوت درباره ارزشیابی‌شونده و مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل متفاوت را بتوان فهمید، به‌بوته نقد سپرد و مد نظر قرار داد. (الف) ابتدا باید این روش‌شناسی را در داخل هر گروه از ذی‌بطان به اجرا گذاشت تا یک سازه گروهی (یا چندین سازه، اگر در خود هر گروه نیز تعارضاتی وجود دارد) پدیدار شود و تصمیم بگیرند که کدام مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل باید پیگیری شود. (ب) سپس هر گروه را باید با مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل سایر گروه‌های ذی‌ربط، ادبیات مربوطه و تجربیات خود ارزشیاب مواجه کرد تا درباره آن‌ها هم‌فکری صورت گیرد و در نهایت سازه‌های پخته‌تری به دست آید. هر سازه‌ای را می‌توان مطرح کرد، مشروط بر اینکه نقد و بازسازی آن ممنوع نباشد (Guba & Lincoln, 1989, pp. 72-73).

۴. ایجاد اجماع درباره بیشترین تعداد مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل ممکن. هم در داخل هر گروه از

ذی‌بطان و هم در بین گروه‌های ذی‌ربط باید برای رسیدن به اجماع کوشید.

۵. تهیه برنامه مذاکره راجع به مواردی که درباره آن‌ها اجماع نیست یا اجماع کامل وجود ندارد. شکست در رسیدن به اجماع بدین معناست که همچنان سازه‌های رقیب وجود دارند. سازه‌های رقیب فقط از دو طریق ارائه اطلاعات جدید و افزایش تبحر^۲ افراد در استفاده از اطلاعات قابل تغییر و نزدیک‌شدن به یکدیگرند. در مورد اولویت‌بندی، پرداختن به موارد باقی‌مانده نیز ترجیحاً باید نظر ذی‌بطان را در فرایندی هرمنوتیک/ دیالکتیک خواست و اعمال کرد؛ این کار ضروری است، برای جلوگیری از اینکه مبدا همین نیاز به اولویت‌بندی موارد فرصتی شود برای سوءاستفاده و سلب قدرت از برخی ذی‌بطان.

۶. جمع‌آوری و فراهم کردن اطلاعاتی که برای پیاده‌سازی برنامه مذاکره لازم است. شاید نتوان اطلاعات لازم را به دست آورد، ولی ارزشیاب باید تمام تلاشش را بکند تا به این مهم نائل شود. همچنین، اگر ذی‌بطان فاقد تبحر کافی برای استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده هستند، باید آموزش ببینند. انجام هماهنگی‌های لازم برای ارائه این آموزش نیز وظیفه ارزشیاب است.

۷. ساخت و مدیریت مجمعی از نمایندگان گروه‌های ذی‌ربط برای مذاکره. انتظار این است که تعداد اختلافات در سازه‌ها با توجه به اطلاعات و سطح تبحر جدید افراد کاهش چشمگیر یابد. مواردی حل‌نشده‌ی زمینه را برای اجرای دور بعد ارزشیابی فراهم می‌کند. در صورتی مذاکره را موفق می‌دانیم که خروجی‌های این مجمع شامل تصمیمات درباره اقدامات عملی باشد (Guba & Lincoln, 1989, p. 73).

۸. تهیه گزارش و احتمالاً چندین گزارش با مخاطب خاص، که به هر یک از گروه‌های ذی‌ربط درباره اجماع و موارد حل‌شده از مدعیات و دغدغه‌ها و مسائل آن‌ها (و مواردی که دیگران مطرح کرده‌اند ولی به گروه مذکور مربوط است) اطلاع‌رسانی می‌کند. مفیدترین قالب برای گزارش ارزشیابی مطالعه موردی (نک. Priya, 2020) است. با توجه به اینکه سازه‌ها بر مبنای تجارب افراد شکل می‌گیرد، از راه‌های بسیار مؤثر در تغییر سازه‌ها ارائه تجربه جدید یا بیشتر به افراد است؛ لازم نیست این تجربه حتماً مستقیم باشد. آگاه‌شدن از روایت‌های دیگران برای

2. sophistication

1. cross-fertilizing



۵. پرورش سازه‌های مطرح‌شده در داخل هر گروه از ذی‌ربطان

به این منظور باید از این موارد استفاده کرد: سازه پیشین خود ارزشیاب (درعین حال نباید برای آن هیچ امتیاز و جایگاه ویژه و مسلطی قائل شد)؛ اطلاعات مستند موجود؛ تعاملات بین داده‌های مصاحبه‌های درون‌گروهی با داده‌های مشاهده‌ای؛ منتخباتی^۴ از ادبیات مربوطه حرفه‌ای و دانشگاهی (Guba & Lincoln, 1989, p. 211)؛ هر نوع منبع مرتبط دیگر.

۶. جدا کردن مدعیات و دغدغه‌ها و مسائلی که تاکنون حل شده‌اند

این موارد را برای گنجاندن احتمالی در گزارش نهایی کنار می‌گذاریم.

۷. اولویت‌بندی مواردی که تا نون حل نشده‌اند

فرایند اولویت‌بندی باید با مذاکره پیش رود و اعضای گروه ذی‌ربط در آن مشارکت داشته باشند و در نهایت اولویت‌ها را تعیین کنند.

۸. گردآوری اطلاعات بیشتر و پیشرفته‌تر کردن استفاده از آن

آموزش مذاکره‌کنندگان؛ جست‌وجوی اطلاعات جدید؛ و در صورت لزوم، انجام مطالعات خاص.

۹. تهیه برنامه مذاکره

تعریف و روشن کردن سازه‌های رقیب؛ ارائه آموزش‌های لازم؛ کسب نظر از ذی‌ربطان درباره برنامه پیشنهادی.

۱۰. انجام مذاکره و پرورش سازه‌های میان‌گروهی

انتخاب نمایندگان تمام گروه‌های ذی‌ربط پیشین از سوی خود آن‌ها؛ اجرای چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک و استفاده از این نمایندگان به‌عنوان پاسخ‌دهنده؛ شکل دادن به سازه مشترک؛ کسب اطمینان از اعتمادپذیری آن؛ تصمیم‌گیری و تعیین اقدامات عملی؛ مشخص نمودن مواردی که احیاناً درباره آن‌ها هنوز اجماع صورت نگرفته و کنار گذاشتن آن‌ها برای چرخه ارزشیابی احتمالی بعدی.

۱۱. گزارش‌دهی

تهیه گزارش مرحله ۱۰ به‌نحوی که در آن به مدعیات و دغدغه‌ها و مسائلی هر گروه از ذی‌ربطان پرداخته شده باشد؛ ارائه گزارش به تمام ذی‌ربطان.

۱۲. تکرار چرخه

تکرار چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک برای رسیدن به هم‌فهمی درباره مدعیات و دغدغه‌ها و مسائلی که هنوز حل نشده‌اند.

افراد تجربه‌ای نیابتی فراهم می‌کند و گزارش ارزشیابی این کارکرد را به‌خوبی ایفا می‌کند (Guba & Lincoln, 1989, p. 74). علوم انسانی را، از این حیث که به افراد اجازه می‌دهد تجارب دیگران را عمیقاً بفهمند^۱ (تجربه غیرمستقیم حیات با گذاشتن خود به جای دیگران)، رهایی‌بخش^۲ و موجب گسترش افق ذهن و زیست انسان می‌دانند (Dilthey & Jameson, 1972).

به جریان انداختن دوباره چرخه ارزشیابی ۱۰. برای رسیدن به اجماع درباره اختلافاتی که هنوز حل نشده‌اند. ارزشیابی نسل چهارم هرگز به اتمام نمی‌رسد، فقط متوقف می‌شود تا زمانی که فرصت و نیازی بعدی ادامه آن را به جریان بیندازد.

مراحل انجام ارزشیابی نسل چهارم

فرایند ارزشیابی برساخت‌گرایانه دارای دوازده گام است که غالباً به ترتیب زیر انجام می‌شود. پس از نگارش قرارداد، در مورد یازده گام دیگر، هر وقت لازم باشد می‌توان تقدم و تأخر آن‌ها را تغییر داد یا گامی را تکرار کرد.

۱. انعقاد قرارداد بین ارزشیاب و سفارش‌دهنده

به‌ویژه در جوامع اهل دعوی حقوقی مثل ایالات متحده آمریکا (Guba & Lincoln, 1989, p. 188) یا دارای فرهنگ بیشتر شفاهی مثل ایران، انعقاد دقیق قرارداد و روشن کردن مسئولیت‌ها و حقوق طرفین بسیار مهم است این سبک ارزشیابی معروفیت عامه ندارد و درک مشترکی از آن وجود ندارد.

۲. سازمان‌دهی ارزشیابی

انتخاب تیم اولیه ارزشیاب‌ها؛ انجام هماهنگی‌های تیم اصلی؛ انجام هماهنگی‌های آمادی^۳؛ سنجش عوامل سیاسی/فرهنگی موقعیت.

۳. شناسایی ذی‌ربطان

شناسایی افرادی که ارزشیابی را سفارش داده‌اند و ارزشیابی را انجام می‌دهند، شناسایی ذی‌ربطانی که از ارزشیابی "سود" و "زیان" می‌بینند؛ جست‌وجوی ادامه‌دار برای یافتن سایر ذی‌ربطان؛ سنجش بدهستان‌ها؛ رسمیت بخشیدن به توافقات با آن‌ها و میان آن‌ها

۴. پرورش سازه‌ها در داخل هر گروه از ذی‌ربطان

تشکیل حلقه‌های هرمنوتیک ده تا دوازده نفره برای هر گروه از ذی‌ربطان؛ استخراج توصیفات از (سازه‌ها درباره) ارزشیابی‌شونده و شناسایی و غوررسی مدعیات، دغدغه‌ها و مسائلی که مطرح می‌شوند؛ تا حد امکان رسیدن به توافق از خلال مذاکره درباره همه موارد شناسایی شده.

1. verstehen

2. liberating

3. logistic

4. analects



سنجش کیفیت پرسش‌گری بر ساخت‌گرایانه و ارزشیابی نسل چهارم

دو دسته معیار، معیارهای موازی و معیارهای اصالت، برای سنجش کیفیت، بسندگی^۱، یا نیکویی^۲ پرسش‌گری‌های بر ساخت‌گرایانه، از جمله ارزشیابی نسل چهارم، پیشنهاد شده که در زیر مختصراً توضیح داده شده است.

معیارهای موازی

به موازات چهار معیار دقت (Tabatabaee et al., 2013) یا استواری^۳ (Harrison et al., 2020; Melrose, 2001) در پرسش‌گری پوزیتیویستی، برای پرسش‌گری بر ساخت‌گرایانه نیز چهار معیار اعتمادپذیری^۴ تعریف شده است. ماهیت فرایند هرمنوتیک - دیالکتیک تأمین این چهار معیار موازی را تضمین می‌کند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 233-234):

الف) وثوق^۵ در پرسش‌گری بر ساخت‌گرایانه یادآور روایی درونی^۶ در پرسش‌گری پوزیتیویستی است و بدین معناست که چقدر یافته‌های ما درباره موضوع ارزشیابی و پژوهش به خصوص درباره ذهنیات افراد صادق است. وثوق به واسطه این موارد قابل تأمین است: حضور و مشارکت طولانی ارزشیاب در محل و درک بافتار، فرهنگ و موقعیت محیطی ارزشیابی شونده؛ مشاهده مدام؛ مشاوره با طرف ثالث بی طرف و بدون محدودیت‌های قراردادی درباره سازه‌های ذهنی خود ارزشیاب و کمک به گزاره‌مند^۷ شدن و به قالب زبان در آمدن دانش ضمنی خود ارزشیاب؛ تحلیل موارد ناقص^۸ برای ارتقای فرضیات مقدماتی به فرضیاتی که مشتمل بر تمام موارد معلوم شود؛ ثبت تغییرات سازه‌های ذهنی خود ارزشیاب؛ کسب اطمینان از صحت برداشت ارزشیاب از سازه‌های ذهنی پاسخ‌دهندگان به صورت غیررسمی یا طی جلسه‌ای رسمی با مشارکت نمایندگان تمام گروه‌های ذی ربط. ب) قابلیت انتقال^۹، که تقریباً مشابه روایی بیرونی^{۱۰} است، از سوی دریافت‌کنندگان گزارش‌ها سنجیده می‌شود. آن‌ها درباره میزان شباهت "توصیف

1. adequacy
2. goodness
3. rigor در مطالعات کمی، بیشتر به روایی و پایایی اشاره دارد
4. trustworthiness
5. credibility
6. internal validity
7. propositional
8. negative case analysis
9. transferability
10. external validity

پرمایه^{۱۱} گزارش با موقعیتی که در آن می‌زیاند قضاوت خواهند کرد.

پ) قابلیت اتکا^{۱۲}، که تقریباً مشابه پایایی^{۱۳} است، اشاره به استفاده از یک حسابرس^{۱۴} خارجی برای داوری درباره تصمیمات روش‌شناختی و درک خرد پشت این تصمیم‌ها دارد.

ت) قابلیت تأیید^{۱۵}، که تقریباً مشابه عینیت^{۱۶} است، حاکی از میزان قابلیت ردگیری هر یک از سازه‌ها است؛ به بیان دیگر، باید معلوم باشد هر سازه نهایی ابتدا به چه صورت و از سوی چه کسانی مطرح شده و چه فرایندی را طی کرده تا به شکل کنونی رسیده است. قابلیت تأیید را نیز باید یک حسابرس خارجی بررسی کند (DeCrap, 2004).

معیارهای اصالت

معیارهای اصالت یا غیربنیادین ریشه در ماهیت نظام باورها و ارزش‌های سازنده پارادایم بر ساخت‌گرایی دارند (Guba & Lincoln, 1989, p. 233) و در پاسخ به پرسش‌های زیر تأمین می‌شوند:

الف) انصاف: در گزارش ارزشیابی، به عبارت دیگر در سازه نوآیندی که از خلال مذاکرات پدید آمده، به چه میزان همه سازه‌های رقیب جست‌وجو و آشکار شده‌اند و مدنظر قرار گرفته‌اند؟

ب) اصالت هستی‌شناختی: هر یک از سازه‌های افراد دخیل به چه میزان آگاهانه‌تر و پیشرفته‌تر شده است؟ پ) اصالت تعلیمی: هر یک از افراد چقدر درک بهتری نسبت به سازه‌های دیگران به دست آورده و احیاناً نسبت به این سازه‌ها روادارتر شده‌اند؟

ت) اصالت اقدام‌آفرینی^{۱۷}: به چه میزان خود ارزشیابی موجب اقدام شده و تسهیل‌گر آن بوده است؟ ث) اصالت راه‌کنشی^{۱۸}: افراد برای انجام آنچه ارزشیابی بر آن دلالت دارد یا بدان توصیه می‌کند چقدر توانمند شده‌اند؟

برساخت‌گرایی اجتماعی و مطالعات گردشگری

در مطالعات گردشگری که خود و ام‌دار مطالعات علوم گوناگون است (Jafari & Brent Ritchie, 1981; Lohmann & Panosso Netto, 2017)، می‌توان

11. dependability
12. reliability
13. audit
14. confirmability
15. objectivity
16. catalytic
17. tactical



بیشتر مباحث به یک زبان و سنت مشخص نوشته می‌شوند، فقط مجموعه‌ی منتخبی از موضوعات مطرح می‌شوند و صرفاً یک گروه از پژوهشگران در مصدر امور هستند که به‌نوعی در عرصه‌ی معرفت‌گردشگری تبدیل به دروازه‌بانان و دلالت‌قدرت علمی - اجتماعی شده‌اند (Butowski et al., 2021).

نقد و نتیجه‌گیری

در این مقاله، پارادایم ساخت‌گرایی اجتماعی و مبانی فلسفی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی آن، سه گونه‌ی پرسش‌گری، شش نوع ارزشیابی با توجه به هدف و سطح تحلیل، چهار نسل ارزشیابی، روش‌شناختی هرمنوتیک - دیالکتیک و روش اجرای آن، مراحل و روش اجرای ارزشیابی نسل چهارم، مسئولیت‌های ارزشیابان ساخت‌گرا، و معیارهای سنجش کیفیت پرسش‌گری ساخت‌گرایانه آورده شده است. همچنین، به کاربردی این رویکرد در مطالعات گردشگری پرداختیم.

ارزشیابی ساخت‌گرایانه نقاط متمایز مثبتی دارد. در این نسل از ارزشیابی، به انسان‌ها و سازه‌های ذهنی آن‌ها توجه می‌شود؛ اشخاص دیده و شنیده می‌شوند و نظریاتشان هم برای دیگران و هم برای خودشان روشن‌تر می‌شود، نظر دیگران را نیز بهتر می‌فهمند (Guba & Lincoln, 1989, pp. 56-57)، و فرصت این را می‌یابند که درباره‌ی ارزشیابی‌شونده سازه‌های ذهنی آگاهانه و پیشرفته‌تری به دست آورند. از این جهت، هم افراد احترام فراوانی دریافت می‌کنند، هم طی فرایند ارزشیابی فرصت آموزش و یادگیری و توسعه‌ی فردی خواهند داشت. روش‌شناسی هرمنوتیک - دیالکتیک انسان‌ها را دارای شرافت می‌داند و از طریق سازوکاری دموکراتیک و گفت‌وگویی و تحلیل محور تا جای ممکن افراد را در ارزشیابی مشارکت می‌دهد. طبیعی است تصمیمات به اقدامی که بدین نحو اتخاذ شود از مقبولیت و پشتوانه‌ی اجرایی بالایی برخوردار است، چراکه تمام گروه‌های ذی‌ربط و اعضای آن‌ها نظرشان را در آن منعکس می‌بینند. فایده‌ی دیگر این نوع ارزشیابی تقسیم عادلانه‌ی مسئولیت بین همه‌ی ذی‌ربطان است، به طریقی که به افرادی با کمترین قدرت اجحاف نشود؛ طی ارزشیابی، توانمندسازی این افراد به خوبی رخ می‌دهد، چراکه به همه فرصت داده می‌شود تا از روند امور آگاه شوند و منشأ اثر گردند.

البته مشارکت در تصمیم‌گیری یکی از ارزش‌های پساماده‌گرا و خودبیانگرانه است که به بستری مناسب نیاز دارد و در جوامع با امنیت بقا، امنیت فیزیکی و

انتظار داشت پارادایم متعارف همان پارادایم پوزیتیویسم متأخر باشد؛ اما برساخت‌گرایی^۱ نیز به‌عنوان یکی از پارادایم‌های نوآورانه و انتقادی جایگاه خود را پیدا کرده است (Ateljevic et al., 2007; Nunkoo, 2018). در رویکردهای انتقادی، هیچ پدیده‌ی اجتماعی بدیهی^۲، جوهری/ذاتی^۳، طبیعی^۴ و ثابت^۵ پنداشته نمی‌شود، بلکه همه چیز در بافتار فرهنگ و اجتماع معنا می‌یابد (Khoskjan, 2021). البته برساخت‌گرایی، نسبت به پوزیتیویسم، هنوز جوان است و پیش‌بینی و توصیه شده است که مخصوصاً در مطالعه‌ی ابعاد اجتماعی گردشگری، که لاجرم متأثر از فرهنگ و موقعیت و بافتار است، از این پارادایم بیشتر استفاده شود (Hollinshead, 2006). اساساً یکی از مزایای پارادایم برساخت‌گرایی و روش‌های کیفی اجتناب از بافتارزدایی^۶ از تجارب و روایت‌های مشارکت‌کنندگان در فرایند پرسش‌گری است (Burr, 2003, p. 149). هرمنوتیک نیز محدود به مطالعه‌ی متون دینی و عرفانی (Khaki, 2022) نمانده است و امروز در بسیاری از شاخه‌های مدیریتی از جمله بازاریابی مطرح نظر و مورد استفاده است (برای نمونه: Manian & Ronagi, 2021).

از پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی در آموزش گردشگری (Paris, 2011)، طراحی دوره‌های هتلداری (Luong & Kim, 2022)، طراحی درسنامه‌های دانشگاهی (Tarnopolsky, 2017)، تعریف معنای توسعه‌ی گردشگری پایدار (Singh et al., 2019)، طراحی ساختارهای تلفیقی حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری برای صنعت گردشگری (Aliu et al., 2014)، گردشگری هوشمند (Hunter et al., 2015) و بررسی گردشگری داوطلبانه در کشورهای جنوب/ توسعه‌نیافته (Fahlén, 2017) استفاده شده است.

در مطالعات گردشگری، درباره‌ی برساخت‌گرایی تناقض جالبی رخ داده است: با اینکه خود پارادایم برساخت‌گرایی، که بر تکثر ارزشی و دیدگاه‌ها تأکید دارد، در قامت یکی از رویکردهای تحقیقات کیفی جایگاه مستحکمی یافته است، ولی در نشریات پژوهشی برجسته‌ی متمرکز بر پژوهش‌های کیفی بخشی از ارزش‌های سازنده این پارادایم نقض شده است؛ چراکه مشاهده می‌شود

و constructivism در این مقاله در مقابل هر دو اصطلاح که مدلول نزدیک به یکدیگر دارند و به قولی، constructionism، از معادل "برساخت‌گرایی" استفاده (Hollinshead, 2006) خوشاوندند شده است.

1. taken-for-granted
2. essential
3. natural
4. fixed
5. decontextualization



امنیت اقتصادی قابلیت بروز دارد (Inglehart, 2018, p. 1). در ایران نیز توجهاتی به فراگیرتر شدن فرایندهای ارزشیابی در اسناد بالادستی شده است؛ مثلاً در لایحه برنامه هفتم توسعه، ارزشیابی مردم محور و بهره‌گیری از دیدگاه ذی‌ربطان و افزایش میزان مشارکت شهروندان در حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲).

از سوی دیگر، ارزشیابی نسل چهارم، به نسبت ارزشیابی‌هایی قبلی، زمان برتر و در نتیجه هزینه برتر است. خیلی اوقات سفارش دهندگان ارزشیابی آمادگی پذیرش بازه‌های بلندمدت چندماهه را ندارند. حرکت به سوی عدم تمرکز و مشارکت حداکثری به کاهش سرعت تصمیم‌گیری منجر می‌شود (Mohammadzadeh & Mehrojan, 1997, p. 351). بنابراین، هر جا باید تصمیم‌گیری سریع باشد این مدل کارایی لازم را ندارد. اجرای این نوع ارزشیابی دشوارتر نیز هست، چون به جای تعامل با تعداد محدودی از ذی‌ربطان باید به سراغ تمام ذی‌ربطان رفت و چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک را اجرا کرد. به علاوه، با توجه به رواج کمتر این نوع ارزشیابی، مسئله آشنایی خود ارزشیابان و سفارش دهندگان ارزشیابی با آن نیز مطرح است، که اجرای باکیفیت آن را دچار مشکل می‌کند؛ مخصوصاً از این جهت که ارزشیابی نسل چهارم مشحون از اصطلاحات نامأنوس برای عموم است (Caulley, 2008). دشواری دیگر این روش نداشتن الگوریتم/خوارزمی خطی است (Guba & Lincoln, 1989, p. 72) که ارزشیاب بتواند با انجام آن پله به پله ارزشیابی را به سرانجام برساند. در ارزشیابی نسل چهارم، خیلی اوقات لازم است ارزشیاب مراحل مختلف چرخه را تکرار کند و نظمی آهین در مورد ترتیب مراحل وجود ندارد.

متأسفانه، به‌رغم نقاط قوت رویکرد برساخت‌گرایانه، چه در سطح جهان و چه به طریق اولی در سطح ایران، نسل چهارم ارزشیابی در مطالعات گردشگری مغفول مانده است. حال آنکه، با توجه ماهیت پیچیده و دارای ذی‌ربطان متعدد پدیده گردشگری، با استفاده از رویکرد برساخت‌گرایانه می‌توان درکی پیشرفته‌تر و آگاهانه‌تر از ارزشیابی شونده‌گان به دست آورد و هم‌زمان، به‌علت مشارکت هرچه بیشتر ذی‌ربطان و ارتقای سازه‌های ذهنی آن‌ها درباره مداخلات و مسائل گردشگری، موجب توانمندسازی عادلانه همه ذی‌ربطان شد. کم‌توجهی به ارزشیابی برساخت‌گرایانه در مطالعات

گردشگری رخنه‌ای روش‌شناختی^۲ است که فرصتی را برای استفاده پژوهشگران از روش‌شناسی‌ای متفاوت فراهم می‌کند. فراتر از ارزشیابی نسل چهارم، می‌توان انتظار داشت استفاده از چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک در تمام مواردی که در تصمیم‌گیری، خط‌مشی‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت ذی‌ربطان متعدد و متنوع وجود دارند، مخصوصاً در آنجا که بین ذی‌ربطان، اختلاف‌نظر شدید و تعارض‌های ارزشی هست، مفید باشد. پیاده‌سازی و بررسی کارایی چرخه هرمنوتیک - دیالکتیک در موقعیت‌های گوناگون نیز یک رخنه پژوهشی شایسته پیگیری است.

منابع فارسی که معادل لاتین آن‌ها در فهرست منابع آمده است

براون، کالین (۱۳۹۲). فلسفه و ایمان مسیحی. ط. میکائیلیان (مترجم). شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (انتشار اثر مبدأ ۱۹۶۹)

بوغوسیان، پل (۱۴۰۱). هراس از معرفت: در نقد نسبی‌انگاری. مترجم: ی. میردامادی. انتشارات کرگدن. (انتشار اثر مبدأ ۲۰۰۶)

خاکی، غلامرضا (۱۴۰۰). خرقة صحبت: شرح مقالات شمس تبریزی با رویکرد هرمنوتیکی چرخش فهمندگی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

خشک‌جان، زهرا (۱۳۹۹). برساخت‌گرایی اجتماعی و مسئله معنا. انتشارات کویر.

خوانساری، محمد (۱۴۰۱). دوره مختصر منطق صوری. انتشارات دانشگاه تهران.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). اظهارنظر کارشناسی درباره «لایحه برنامه هفتم توسعه پیرامون ارزشیابی مردم‌محور. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1778776>

دورکیم، امیل (۱۳۴۳). قواعد روش جامعه‌شناسی. ع. کاردان (مترجم). انتشارات دانشگاه تهران. (انتشار اثر مبدأ ۱۸۹۵)

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، خلیفه، ابراهیم، پورطاهری، مهدی و رحمانی فضل، عبدالرضا (۱۳۹۷). ارزیابی فراتحلیل مقالات طرح‌های



کانت، ایمانوئل (۱۳۹۹). سنجش خرد ناب م. ادیب
سلطانی (مترجم). انتشارات امیرکبیر. (انتشار اثر
مبدأ ۱۷۸۱)

گردر، یوستین (۱۳۸۶). دنیای سوفی: داستانی درباره
تاریخ فلسفه. حسن کامشاد (مترجم). انتشارات
نیلوفر. (انتشار اثر مبدأ ۱۹۹۵)

گروندن، ژان (۱۴۰۰). هرمنوتیک. محمدرضا. ابوالقاسمی
(مترجم). نشر ماهی. (انتشار اثر مبدأ ۲۰۰۸)

مانیان، امیر و رونقی، محمدحسین (۱۳۹۹). تفسیر و
کاربرد آن در بازاریابی. انتشارات دانشگاه تهران.

مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۴). درسگفتارهای
«هرمنوتیک جدید چیست؟». مرکز نشر
آثار و افکار محمد مجتهد شبستری. <http://mohammadmojtahedshabestari.com>
[فایل صوتی]

محمدزاده، عباس و مهرورژان، آرمن (۱۳۷۵). رفتار
سازمانی: نگرش اقتضائی. انتشارات دانشگاه
علامه طباطبائی.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲). سامانه قوانین.
<https://rc.majlis.ir>

معتقد، مهسا و اسدی، علی (۱۳۹۷). درآمدی بر
ارزشیابی پیامدگرا در پروژه‌های توسعه روستایی.
ترویج علم، ۱۹(۱)، ۳۷-۶۳. <https://dorl.net/dor.63-37.1397.9.1.3.8>

هیئت ویژه گزارش ملی بررسی حادثه پلاسکو (۱۳۹۶).
گزارش نهایی. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت جمهوری
اسلامی ایران. دریافت از <http://media.dolat.ir/uploads/org/149200548872096000.pdf>

منابع

Abdekhodaie, Z., & Tiyuri A. (2019). Differences
between narrative reviews and systematic
reviews. *Iranian Journal of Medical
Education*, 19(18), 166-168. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-4925-fa.html> [In
Persian]

هادی روستایی در ایران. پژوهش‌های روستایی،
۱(۱)، ۲۶-۴۱. <https://doi.org/10.22059/jrur.2018.138811.823>

سهرابی، محمدرضا (۱۳۹۲). اصول نگارش مقالات
مروری. پژوهنده، ۱۸(۲)، ۵۲-۵۶. <http://pajooohande.sbm.ac.ir/article-1-1512-fa.html>

شریف‌زاده، ابوالقاسم، اسدی، علی، و شریفی، مهنوش
(۱۳۹۰). ارزشیابی پیامدگرا در فرایند توسعه پایدار.
جهاد دانشگاهی تهران.

شیخ رضایی، حسین و بیکران بهشت، حامد (۱۳۹۸).
فمینیسم و جایگاه ارزش‌ها در علم: بررسی دیدگاه
هیلن لانجینو. فلسفه علم، ۹(۱۸)، ۱۱۵-۱۳۸.
<https://doi.org/10.30465/ps.2020.4551>

شیخه، رضا، صفایی مقدم، مسعود، پاک‌سرشت،
محمدجعفر و مرعشی، سید منصور (۱۳۹۹).
بررسی تحلیلی مبانی رویکرد برساخت‌گرایی
اجتماعی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۶(۱۰۳)،
۳۹-۵۵. <https://doi.org/10.30471/mssh.2020.4557.1757>

طباطبایی امیر، حسنی، پرخیده، مرتضوی، حامد،
و طباطبایی چهر، محبوبه (۱۳۹۲). راهبردهایی
برای ارتقاء دقت علمی در تحقیقات کیفی.
مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی،
۵(۳)، ۶۶۳-۶۷۰. <http://journal.nkums.ac.ir/article-1-403-fa.html>

عارف، هادی، سیدجوادین، رضا، پورعزت، علی اصغر،
و محمد الیاسی، قنبر (۱۳۹۸). معناسازی: تحلیل
مفهومی و کاربردی‌ها در مدیریت منابع انسانی.
مدیریت دولتی، ۱۱(۳)، ۵۰۹-۵۲۹. <https://doi.org/10.22059/jipa.2019.268468.2405>

عبدخدایی، زهرا و طیوری، امیر (۱۳۹۸). تفاوت‌های
مرور روایتی و مرور نظام‌مند. مجله ایرانی آموزش
در علوم پزشکی، ۱۹(۱۸)، ۱۶۶-۱۶۸. <http://ijme.mui.ac.ir/article-1-4925-fa.html>

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۸). هزار واژه
روان‌شناسی. انتشارات فرهنگستان زبان و ادب
فارسی.

- Bohn, D. (2022). Evaluation Research. In D. Buhalis (Ed.), *Encyclopedia of Tourism Management and Marketing* (pp. 133-136): Edward Elgar.
- Brown, C. (2014). *Philosophy and the Christian faith. T. Mikà iliyān* (Trans.). Elmi-Farhangi Publishing Company. (Original work published 1969) [In Persian]
- Burr, V. (2003). *Social constructionism* (2nd ed.). Routledge.
- Butowski, L., Kaczmarek, J., Kowalczyk-Anioł, J., & Szafrńska, E. (2021). Social constructionism as a tool to maintain an advantage in tourism research. *Tourism Geographies*, 23(1-2), 53-74. <https://doi.org/10.1080/14616688.2019.1654537>
- Caulley, D. N. (2008). Book Review: Realistic Evaluation. *Evaluation Journal of Australasia*, 8(1), 60-62. <https://doi.org/10.1177/1035719X0800800113>
- Clegg, S. R., Kornberger, M., & Pitsis, T. S. (2016). *Managing and organizations: an introduction to theory and practice*. Sage.
- Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (2018). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches* (5th ed.). Sage.
- Crotty, M. (1998). *The foundations of social research: Meaning and perspective in the research process*. Sage.
- DeCrop, A. (2004). Trustworthiness in qualitative tourism research. In J. Phillimore & L. Goodson (Eds.), *Qualitative Research Methods in Tourism*. Routledge.
- Dilthey, W., & Jameson, F. (1972). *The rise of hermeneutics. New literary history*, 3(2), 229-244. <https://doi.org/10.2307/468313>
- Academy of Persian Language and Literature (2020). *A collection of psychology terms 1 (1000 words)*. Academy of Persian Language and Literature Publications.
- Aliu, A., Parlak, B., & Aliu, D. (2014). Hybrid structures in tourism industry: Innovative models, sociological insights and multilevel approaches. *Estudios y perspectivas en turismo*, 23(4), 834-851.
- Antoniades, A. (2003). Epistemic Communities, Epistemes and the Construction of (World) Politics. *Global Society*, 17(1), 21-38. <https://doi.org/10.1080/0953732032000053980>
- Aref, H., Seyyed Javadin, S.R., Pourezzat, A., & Mohammad Elyasi, GH. (2019). Sensemaking: Concept Analysis and Implications for Human Resource Management. *Journal of Public Administration*, 11(3), 509-529. <https://doi.org/10.22059/jipa.2019.268468.2405> [In Persian]
- Ateljevic, I., Pritchard, A., & Morgan, N. (2007). *The critical turn in tourism studies: Innovative research methods*. Elsevier.
- Barczak, G. (2017). Writing a review article. *Journal of Product Innovation Management*, 34(2), 120-121. <https://doi.org/10.1111/jpim.12365>
- Berger, P. L., & Luckmann, T. (1967). *The social construction of reality: A treatise in the sociology of knowledge*. Anchor.
- Boghossian, P. (2006). *Fear of knowledge: Against relativism and constructivism*. Oxford University.
- Boghossian, P. (2023). *Fear of knowledge: against relativism and constructivism*. Y. Mirdamadi (Trans.). Kargadan. (Original work published 2006) [In Persian]



- Grondin, J. (2022). *Hermeneutics* (M. Abulqasimi, Trans.). Fish Publications. (Original work published 2006) [In Persian]
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1981). *Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive and naturalistic approaches*. Jossey-Bass.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. Sage.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (2001). Guidelines and checklist for constructivist (aka fourth generation) evaluation. In.
- Haas, P. (2021). 698C40Epistemic Communities. In L. Rajamani & J. Peel (Eds.), *The Oxford Handbook of International Environmental Law* (pp. 0). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/law/9780198849155.003.0040>
- Harrison, R. L., Reilly, T. M., & Creswell, J. W. (2020). Methodological Rigor in Mixed Methods: An Application in Management Studies. *Journal of Mixed Methods Research*, 14(4), 473-495. <https://doi.org/10.1177/1558689819900585>
- Hartnett, T. (2011). *Consensus-oriented decision-making: The CODM model for facilitating groups to widespread agreement*. new society publishers.
- Hegel, G. W. F. (1991). *The Encyclopaedia Logic, with the Zus tze: Part I of the Encyclopaedia of Philosophical Sciences with the Zusätze* (Vol. 1). Hackett Publishing.
- Heidegger, M. (2008). *Ontology: The hermeneutics of facticity*. Indiana University Press.
- Hollinshead, K. (2006). The Shift to Constructivism in Social Inquiry: Some Pointers for Tourism Studies. *Tourism Recreation Research*, 31(2), 43-58. <https://doi.org/10.1080/02508281.2006.11081261>
- Durkheim, E. (1965). *Les Règles de la méthode sociologique* [The rules of sociological method] (A. Kardan, Trans.). Tehran University Press. (Original work published 1895) [In Persian]
- Edgell, D. L., Swanson, J., Allen, M. D., & Smith, G. (2008). *Tourism policy and planning: Yesterday, today, and tomorrow*. Routledge.
- Fahlén, M. (2017). *Stories of volunteer tourism-constructions and power relations in a local context in Vietnam University of Gothenburg*.
- Fuchs, M. (2022). Reflecting on the ideology of a mechanist economic science: From ontological inconsistencies towards a transformative tourism science. In F. Femenia-Serra, A. Alzua-Sorzabal, & Z. Xiang (Eds.), *Transitioning towards the future of tourism destinations: Resilient, smart, and green development*. ARANZADI/CIVITAS.
- Gaarder, J. (2008). *Sophie's world: a novel about the history of philosophy*. H. Kamshad (Trans.). Nilufar Publications. (Original work published 1995) [In Persian]
- Gadamer, H.-G. (1975). *Truth and method. W. Glen-Doepel* (Trans.). Continuum. (Original work published 1960)
- Geertz, C. (1973). Thick description: Toward an interpretive theory of culture. In C. Geertz (Ed.), *The interpretation of culture*. Basic Books.
- Greetham, B. (2021). *How to write your literature review*. Macmillan Education.
- Gretzel, U., Fuchs, M., Baggio, R., Hoepken, W., Law, R., Neidhardt, J., Pesonen, J., Zanker, M., & Xiang, Z. (2020). e-Tourism beyond COVID-19: a call for transformative research. *Information Technology & Tourism*, 22(2), 187-203. <https://doi.org/10.1007/s40558-020-00181-3>

- Lincoln, Y. S., Lynham, S. A., & Guba, E. G. (2018). Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences. Revisited. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *The Sage handbook of qualitative research* (5th ed.). Sage.
- Lohmann, G., & Panosso Netto, A. (2017). Jafari's interdisciplinary model. *Tourism theory: concepts, models and systems*, 45-48. <https://doi.org/10.1079/9781780647159.0045>
- Lund, G. E. (n.d.). *Fifth-generation evaluation*.
- Luong, T.-T., & Kim, E. (2022). A constructivism-based training course for hospitality and tourism instructors in Vietnam to improve their self-confidence in synchronous online teaching. *Interactive Technology and Smart Education*, 19(3), 360-389. <https://doi.org/10.1108/ITSE-04-2021-0070>
- Manian, A., & Ronagi, M. (2021). *Interpretation and its application in marketing*. Tehran University Press. [In Persian]
- Melrose, M. J. (2001). Maximizing the rigor of action research: why would you want to? How could you? *Field Methods*, 13(2), 160-180. <https://doi.org/10.1177/1525822X0101300203>
- Mohammadzadeh, A., & Mehrojan, A. (1997). *Organizational behavior: contingency approach*. Allameh Tabatabai University Press. [In Persian]
- Mojtahed-e Shabestari, M. (2016). Lectures on "what is new hermeneutics?". Publishing Center of Mohammad Mojtabeh Shabastri's Works and Thoughts. <http://mohammadmojtahedshabestari.com/> [Speech audio recording] [In Persian]
- Motaghd, M., & Asadi, A. (2018). Introduction of Impact Assessment in Rural Development
- Hunter, W. C., Chung, N., Gretzel, U., & Koo, C. (2015). Constructivist research in smart tourism. *Asia Pacific Journal of Information Systems*, 25(1), 105-120. <https://doi.org/10.14329/apjis.2015.25.1.103>
- Inglehart, R. F. (2018). *Cultural evolution: People's motivations are changing, and reshaping the world*. Cambridge University Press.
- Jafari, J., & Brent Ritchie, J. R. (1981). Toward a framework for tourism education: Problems and prospects. *Annals of Tourism Research*, 8(1), 13-34. [https://doi.org/10.1016/0160-7383\(81\)90065-7](https://doi.org/10.1016/0160-7383(81)90065-7)
- Kant, I. (2021). *The analysis of pure wisdom*. M. Adib-e Soltani (Trans.). Amir Kabir Publications. (Original work published 1781) [In Persian]
- Khaki, G. (2022). The cloak of companionship: explaining the speeches of Shams Tabrizi's using the hermeneutic approach of the understanding winepress. Parse Book Translation and Publishing. [In Persian]
- Khansari, M. (2023). *A brief course on formal logic*. Tehran University Press. [In Persian]
- Khoskjan, Z. (2021). Social constructionism and the problem of meaning. Kavir Publications. [In Persian]
- Kuhn, T. S. (1970). *The Structure of Scientific Revolutions (2nd ed.)*. University of Chicago.
- Kuhn, T. S. (2012). *The Structure of Scientific Revolutions (4th ed.)*. University of Chicago.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (2013). *The constructivist credo*. Left Coast Press.



- articles in Iran. *Journal of Rural Research*, 9(1), 26-41, <https://doi.org/10.22059/jrur.2018.138811.823> [In Persian]
- Ryle, G. (1968). The Thinking of Thoughts, What is Le penseur doing? *Ryle Gilbert* (1971) Collected Papers, 2, 1929-1968.
- Shan, Y. (2022). *Philosophical foundations of mixed methods research*. *Philosophy Compass*, 17(1), e12804. <https://doi.org/10.1111/phc3.12804>
- Sharifzadeh, A., Asadi, A., & Sharifi, M. (2012). *Consequences-oriented evaluation in the process of sustainable development*. *Jahad-e Daneshgahi-ye Tehran*. [In Persian]
- Sheikheh, R., Safaei Moghaddam, M., Pakseresht, M., & Marashi, M. (2019). Analytical study concerning foundations of social constructionism. *Methodology of Social Science and Humanities*, 26(103), 39-55. <https://doi.org/10.30471/mssh.2020.4557.1757> [In Persian]
- Sheykhrezaee, H., & Bikaraan-Behesht, H. (2020). Helen Longino on Feminism and the Role of Values in Science. *Philosophy of Science*, 9(18), 115-138. <https://doi.org/10.30465/ps.2020.4551> [In Persian]
- Singh, S., Armadita, F., Day, J., & Mandala, L. (2019). Defining sustainable tourism: a social constructionist view. <https://hdl.handle.net/20.500.14394/49044>
- Sohrabi, M. (2013). Principles of writing a review article. *Pajoohande*, 18(2), 52-56. <http://pajoohande.sbmu.ac.ir/article-1-1512-fa.html> [In Persian]
- Special committee of the National Report on Investigating the Pelasko Building Collapse (2018). *Final report*. The information dissemination website of the Islamic Republic of Iran Government. <http://media.dolat.ir/Projects.PopularizationofScience>, 9(1), 37-63. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22519033.1397.9.1.3.8> [In Persian]
- Nunkoo, R. (2018). *Handbook of research methods for tourism and hospitality management*. Edward Elgar Publishing.
- Paris, C. M. (2011). Social constructivism and tourism education. *Journal of Hospitality, Leisure, Sports and Tourism Education* (Pre-2012), 10(2), 103.
- Parliament Research Center (2023). Expert opinion on "the 7th Development Plan Bill on People-Based Evaluation". *Expert Monthly Reports*. [In Persian]
- Parliament Research Center (2024). System of laws. <https://rc.majlis.ir/> [In Persian]
- Pernecky, T. (2009). *Understanding and interpreting tourism: a constructionist probe into the epistemology of tourism studies*. PhD thesis. University of Bedfordshire]. <http://hdl.handle.net/10547/624001>
- Pernecky, T. (2012). Constructionism: Critical pointers for tourism studies. *Annals of Tourism Research*, 39(2), 1116-1137. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2011.12.010>
- Ponterotto, J. G. (2006). Brief note on the origins, evolution, and meaning of the qualitative research concept "thick description". *The qualitative report*, 11(3), 538-549. <https://doi.org/10.46743/2160-3715/2006.1666>
- Priya, A. (2020). Case Study Methodology of Qualitative Research: Key Attributes and Navigating the Conundrums in Its Application. *Sociological Bulletin*, 70(1), 94-110. <https://doi.org/10.1177/0038022920970318>
- Rokneddin Eftekhari, A., Khalifeh, E., Pourtaheri, M., & Rahmanifazli, A. (2018). Meta-analysis assessment of rural development plans

- Weick, K. E. (1996). Drop Your Tools: An Allegory for Organizational Studies. *Administrative Science Quarterly*, 41(2), 301-313. <https://doi.org/10.2307/2393722>
- Weick, K. E. (2008). Sensemaking. In C. a. J. R. B. S. R (Ed.), *The International Encyclopedia of Organization Studies* (pp. 1403-1406): Sage.
- (Footnotes)
1. consensus
 2. etic
 3. emic
 4. research
 5. policy analysis
 6. policy options
 7. evaluand
 8. merit
 9. worth
 10. formulative
 11. formative
 12. summative
- uploads/org/149200548872096000.pdf [In Persian]
- Tabatabaee, A., Hasani, P., Mortazavi, H., & Tabatabaeeichehr M. (2013) Strategies to enhance rigor in qualitative research. *North Khorasan University of Medical Sciences*, 5(3), 663-670. <http://journal.nkums.ac.ir/article-1-403-fa.html> [In Persian]
- Tarnopolsky, O. (2017). The Underlying Methodology in Designing a Constructivist Textbook of English for Tertiary Students Majoring in Tourism: The Results of the Textbook Elaboration Project. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 78, 1-9. <https://doi.org/10.18052/www.scipress.com/ILSHS.78.1>
- Walliman, N. (2022). *Research methods: The basics* (3rd ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003141693>
- Weick, K. (1993). The Mann Gulch Disaster: the Collapse of Sense-Making in Organizations. *Administrative Science Quarterly*, 38(4), 628-652. <https://doi.org/10.2307/2393339>